

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال شماره ۹۴۴
جمعه ۷ آبان ۱۴۰۰ - ۲۹ اکتبر ۲۰۲۱

جامعه ادامه آبان را فریاد میزند

شهلا دانشفر

خیزش آبان اعتراض مردم به ستوه آمده در ایران از فقر و تبعیض و نابرابری و علیه کل بساط جهنمی جمهوری اسلامی بود. در آبان ۹۸ مردم علیه گرانی بنزین به خیابان آمدند اما بلافاصله حرکت آنها به سردادن شعارهای ضد حکومتی و جمهوری اسلامی ناپود باید گردد منجر شد و به گفته خود حکومتیان بیش از ۲۰۰ شهر بزرگ و کوچک در آن درگیر شدند. در خیزش آبان مردم با حمله به بانکها، مساجد، و پایگاههای بسیج، مظاهر قدرت جمهوری اسلامی را نشانه گرفتند و با به کنترل در آوردن محلات در بسیاری از شهرها عزم جزم خود را برای پایان دادن به حاکمیت چپاولگران اسلامی دزد و مفتخور اعلام داشتند. بدین ترتیب خیزش آبان نقطه عطفی در جنبش سرنگونی بود که جامعه را در فاز نبردی قطعی علیه کل بساط سرمایه داری حاکم گامها جلو برد.

به عبارتی روشنتر امروز مردم با چالش هر روزه کل بساط توحش و بردگی سرمایه داری حاکم در کف خیابان دارند از داشتن یک زندگی شایسته انسان سخن میگویند و آزادی و برابری را فریاد میزنند. این چنین است که در یک تصویر اولیه میشود دید که:

- جمهوری اسلامی حکومتی است که در آن تمامی ارکان هویتی اش از جمله حجاب و قوانین ارتجاعی اسلامی، زیر پا گذاشته شده و جامعه از آنها عبور کرده است.

- جمهوری اسلامی حکومتی است که به خاطر همه جنایاتش طی ۴۲ سال حاکمیت این رژیم کل جامعه دادخواه است و ما با یک جنبش قدرتمند دادخواهی روبرویم که بارزترین شکل

ادامه در صفحه ۲

خیزش آبانماه سرکوب شد. ۱۵۰۰ نفر وحشیانه به قتل رسیدند و هزاران نفر دستگیر شدند. اما ادامه آبان در اشکال دیگری راه خود را بازیافت و امروز شاهد اینیم که اعتراضات مردمی و پیشاپیش آن جنبش کارگری در قامتی جدید در عرصه های مختلف نبرد هر روز سازمان یافته تر عرض اندام کرده و به جلو گام بر میدارد و همه شواهد از در



آبان زنده است!

شماره صفحه:

در این شماره انترناسیونال:

- ۱ و ۲ جامعه ادامه آبان را فریاد میزند. شهلا دانشفر
- ۳ فریده آرمان بر تارک سینمای پانورا - گزارش
- ۴ و ۵ بحران افغانستان و فروپاشی قدرت. سیامک بهاری
- ۶ و ۷ خط فقر مسکن، مافیای مسکن و پاسخ مردم. شهلا دانشفر
- ۸ به مناسبت مرگ یک دژخیم. کاظم نیکخواه
- ۹ و ۱۰ ویژه دومین سالگرد قیام آبانماه ۹۸
- ۱۱ و ۱۲ از مدیای اجتماعی حزب
- ۱۳ اطلاعیه و آئین نامه کنگره حزب
- ۱۴ تا ۲۲ پیامهایی از ایران به کنگره دوازدهم حزب کمونیست کارگری
- ۲۳ و ۲۴ اطلاعیه های حزب

مراسم سی و مین سالگرد حزب کمونیست کارگری

در یوتوبوری، سوئد، برگزار خواهد شد!

تاریخ: شنبه ۲۰ نوامبر ۲۰۲۱ از ۷ عصر

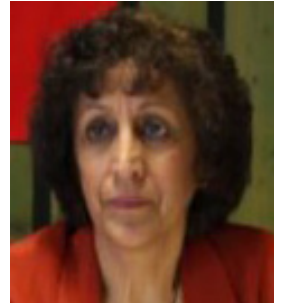
مکان: Folkets Hus Hammarkullen

سخنرانان: اصغر کریمی و شیرین شمس

تلفن تماس: عبه اسدی - ۰۰۴۶۷۳۷۱۷۸۸۱۹

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی

«خیزش آبانماه سرکوب شد. ۱۵۰۰ نفر وحشیانه به قتل رسیدند و هزاران نفر دستگیر شدند. اما ادامه آبان در اشکال دیگری راه خود را بازیافت و امروز شاهد اینیم که اعتراضات مردمی و پیشاپیش آن جنبش کارگری در قامتی جدید در عرصه های مختلف نبرد هر روز سازمان یافته تر عرض اندام کرده و به جلو گام بر میدارد و همه شواهد از در پیش بودن انقلابی انسانی و بنیان کن حکایت دارد.»



شهلا دانشفر

ادامه ابراز وجودش را در مقطع مضحکه انتخابات برای ریاست جمهوری با فریاد رای ما سرنگونی است، شاهد بودیم .

- جمهوری اسلامی حکومتی است که سرانش خود دارند اعلام ورشکستگی اقتصادی میکنند. از جمله همین روزها بود که گزارش ورشکستگی حکومت و استیصالشان را از زبان سازمان برنامه و بودجه حکومت و در ادامه اش در اظهارات مختلف حکومتی ها شنیدیم.

- جمهوری اسلامی حکومتی است که رئیس جمهور جلادش مورد پیگرد یک جنبش قدرتمند دادخواهی است و علیه او بخاطر عضویتش در کمیته مرگ رژیم در کشتارهای سال ۶۷ و نیز کشتار آبان طومارها جمع شده است. درهراس از این جنبش است که او جرات قدم گذاشتن به خارج از ایران را ندارد و در پشت کرونا مخفی شده و یکی بعد از دیگری سفرهایش را ملغی میکند. در ایران هم وقتی قرار است از جایی دیدن کند، فوراً در برابر فراخوانهای اعتراضی و برپایی تجمعات و غیره از سوی مردم معترض ناگزیر است خود را به شکلی گم کند و به بیراهه بزند. یک نمونه اش در هنگام سفر او به استان بوشهر و فراخوان کارگران نفت در عسلویه به تجمع اعتراضی در هنگام حضور او بود که چنین سفری صورت نگرفت و در آنجا حتی وزیر نفتشان هم جرات حضور در میان کارگران را پیدا نکرد.

و همچنین جمهوری اسلامی حکومتی است که یک جنبش

کشیده شد، نگذشته است. در چنین شرایطی است که جامعه دارد ادامه آبان را فریاد میزند.

سالگرد آبان ۹۸ را با گرامیداشت یاد جانباختگان آبانماه و گرد آمدن گسترده تر حول جنبش دادخواهی و به چالش کشیدن کل بساط سرکوب و زندان و جنایت جمهوری اسلامی گرامی بداریم.

سالگرد آبان ۹۸ را با گسترش اعتراضاتمان، با به چالش کشیدن جمهوری اسلامی در همه عرصه ها و با شتاب حرکتان بسوی اعتصابات سراسری و اعتراضات عمومی در سطح جامعه گرامی بداریم.

سالگرد آبان را با کوبیدن مهر شوراها و واقعی خود در تمام مراکز کارگری و در سطح جامعه و بیرون کردن نیروهای سرکوب از همه جا گرامی بداریم.

در تداوم آبانماه، عزم خود را برای پایان دادن به حکومت اوپاش اسلامی به نمایش بگذاریم. جمهوری اسلامی نابود باید گردد.

۲۸ اکتبر ۲۰۲۱

ساختارهای اقتصادی- سیاسی حاکم و برای کوتاه شدن دست پیمانکاران و لغو قوانین مناطق ویژه اقتصادی در قالب طرح مطالب فوری خود هستیم.

نیشکر هفت تپه نیز با پیروزی در خلع ید از باند اسد بیگی و کشاندن آنها به پای میز محاکمه، با اخراج مدیران فاسد و ضد کارگری و اعمال نظارت شورایی خود در هر قدم، و مهمتر از همه با گل گرفتن در شورای اسلامی و کوبیدن مهر شوراها و مستقل خود کارگران در این شرکت از طریق اعلام مجمع نمایندگان منتخب مجمع عمومی ۵ هزار نفره شان به عنوان تشکل واقعی خود، دارد به کل جنبش کارگری و کل جامعه راه نشان میدهد و آلترناتیو شوراها و ممکن بودن ایجاد آنها را در سطح سراسری در مقابل کل جامعه قرار داده است. این اتفاقات در کنار اعتراضات بخش های مختلف کارگری و از جمله سربلند کردن دوباره یکشنبه های اعتراض بازنشستگان و نیز فضای پر از اعتراض جامعه، سیر پر شتاب اوضاع را بسوی اعتصابات سراسری و عمومی در سطح جامعه نشان میدهد. از جمله چند ماهی بیش از خیزش مردمی در خوزستان که ترکش هایش به شهرهای دیگر نیز رسید و بار دیگر شعارهای ضد حکومت به کف خیابان

مردمی برای دادخواهی کشته شدگان آبان ۹۸ در راه است و کارزار برای بایکوت جهانی جمهوری اسلامی با قدرت به جلو میرود.

تحت چنین شرایطی است که جنبش برای سرنگونی جمهوری اسلامی هر روز قوام یافته تر میشود. برای مثال اگر سری به کلاب هاوسها که به محل بحث و تبادل نظر اکتیویستهای جنبش های اجتماعی مختلف در سطح جامعه تبدیل شده بزنیم، بحث های داغی بر سر خلاصی از حاکمیت اسلامی و راه کارها و چشم اندازها از سوی اکتیویست های مختلف جنبش های اجتماعی شناخته شده با اسم و رسم خود جاری است و همه اینها نشانی از حال و هوای انفجاری کل جامعه دارد.

و در چنین شرایطی است که ما شاهد وجود یک جنبش قدرتمند کارگری هستیم که میتوانم بگویم در سطح جهان نمونه است. جنبشی که بطور واقعی خواسته های سراسری همه مردم را علیه فقر و تبعیض و سرکوب و بی تامینی نمایندگی کرده و جلوی صحنه سیاسی کل جامعه قرار گرفته است. از جمله مراکز نفتی به گفته خود کارگران آرام و قرار ندارد و ما شاهد گسترده تر شدن هر روز بیشتر اعتراضات در میان این کارگران علیه

اجتماعی علیه رهبرش خامنه ای بخاطر کشتار جمعی کرونا به راه افتاده است و بطور واقعی امروز هیچ گوشه ای از جامعه آرام و قرار ندارد و یکپارچه اعتراض و مبارزه است.

و بالاخره اینکه جمهوری اسلامی حکومتی است در سطح بین المللی منزوی. آوازه جنایاتش جهانی شده است. بویژه زیر فشار جنبش دادخواهی و جنبش علیه اعدام که طوفان های توییتری آن میلیاردری و بین المللی ترند شد، و نیز زیر فشار خانواده های دادخواه جان باختگان هوایمای اوکراینی که ۱۷۶ سرنشین و خدمه آن عامدانه توسط این حکومت به قتل رسیدند، ما شاهد جلو آمدن هر روز بیشتر گفتمان بر سر انزوای سیاسی این حکومت هستیم. از جمله گزارش سازمان عفو بین الملل تحت عنوان "ویرانگران انسانیت" گوشه های کوچکی از واقعیت جنایات تکان دهنده جمهوری اسلامی علیه مردم ایران در آبان ماه را بیان کرد و با پخش گزارشاتای نفرت جهانی علیه جانباختگان اسلامی شدت گرفت. از جمله همین الان حمید نوری یکی از مهره های مهم حکومت که زیر دست رئیسی جلاد بود بخاطر جنایاتش در کشتارهای سال ۶۷ پشت میز محاکمه قرار گرفته است. همچنین دادگاه بین المللی

Till minne av Farideh Arman



فریده آرمان بر تارک سینمایی پانورا

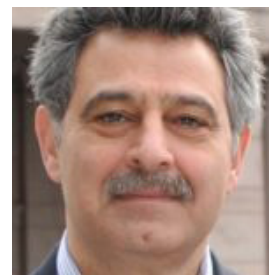
۶ ماه پس از درگذشت جانگداز فریده آرمان، عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران و مسئول انجمن حق زن که بر اثر سرطان فوت کرد، به پاس زحمات و تلاش های بی وقفه و انسانی وی که در تمام طول زندگی اش جریان داشت، مراسمی در شهر مالمو واقع در جنوب سوئد برگزار شد.

مراسم بزرگداشت فریده آرمان در سینما پانورا به درخواست و ابتکار بخش فرهنگی استان اسکونه و سازماندهی آن بوسیله انجمن حق زن بسیار حرفه ای و منظم برگزار شد. این برنامه شامل نمایش فیلمی از زندگی و فعالیت های فریده آرمان که توسط رضا مرادی تهیه شده بود همچنین ایراد سخنرانی هائی به زبان سوئدی بود. سخنرانان این مراسم Margot Olsson یکی از مسئولین کون مالمو در زمینه حمایت از زنان، مهین علیپور مسئول جدید سازمان سراسری حق زن، Åsa Sjöström و Linda Vodopija Stark عکاس و ژورنالیست و بالاخره Toktam Jahangiry بودند. مجری این برنامه خانم Moa Skimutis ژورنالیست و یکی از مجریان بنام سوئدی بود. در پایان این مراسم شهاب بهرامی مسئول و سازمانده برنامه، از حاضرین و سخنرانان و تیم فنی و فیلمبرداری "تلویزیون کانال جدید" تشکر و قدردانی کرد. این برنامه مستقیماً از یوتیوب به صورت زنده پخش شد. گزارش مشروح این مراسم را در شماره بعدی انترناسیونال به چاپ می رسانیم.

یاد فریده عزیزمان همیشه در قلب همه ما زنده است.

بحران افغانستان و فروپاشی قدرت

کنفرانس مسکو و کنفرانس تهران



سیامک بهاری

روسیه و چین می‌خواهند پا جای پا آمریکا بگذارند. اما وضعیت بحرانی و متلاشی شدن شیرازه جامعه افغانستان و فروپاشی محتوم آن وضعیت را دگرگون کرده است. پس باید تکلیف تروریسم اسلامی طالبان که چتر پوششی انواع درندگان اسلامی است را با کشورهای منطقه مشخص کنند. مرزهای مشترک چندین کشور و تحرکات تروریستی چتری از جریانات تروریستی اسلامی همسو با القاعده از یک سو، داعش به عنوان رقیبی برای طالبان و حضور در منطقه به اضافه وضعیت متلاطم داخلی و آینده مبهم حکومت امارت اسلامی و خط قرمزهای منافع روسیه و چین در منطقه، اساس تشکیل کنفرانس مسکو بود. ده کشور منطقه از جمله جمهوری اسلامی ایران را هم به این کنفرانس دعوت کردند تا با سیاست‌ها و منافع خود هم جهت کنند.

صحنه سیاسی و اجتماعی افغانستان نزدیک به سه ماه پس از بازگرداندن طالبان توسط آمریکا و شرکای ناتو به قدرت سیاسی شاهد دگرگونی‌ها و تلاطم حادی است. اتکا امارت اسلامی طالبان به رابطه با چین و روسیه وعده‌های سیاسی و اقتصادی آنان پاسخگوی فوری گره کور فاجعه انسانی بر بستر رکود و متلاشی شدن وضعیت کنونی نیست. واضح است اوضاع بحرانی کنونی به سمت فروپاشی افغانستان پیش خواهد رفت. طالبان قادر به اداره بحران کشور نیست. بجز تحمیل مشقت کنونی، برنامه و راه حلی هم برای مدیریت وضع موجود ندارد. از این رو روسیه و چین به عنوان اتوریته‌های نظامی و اقتصادی در آسیای میانه در پی یافتن راه حلی برای پیشگیری از وضعیت غیرقابل کنترل کنونی‌اند. راه حل‌های ارتجاعی برای نجات حکومت طالبان و مدیریت بحران حاد کنونی بصورت جدی کل ارتجاع منطقه را بخود مشغول کرده است.

کرده برای جمهوری اسلامی است. قبضه کردن قدرت توسط بخش‌های معینی از طالبان و دست بالا داشتن باند شبکه حقانی، برای جمهوری اسلامی خطر آفرین است. مهره‌های نزدیک جمهوری اسلامی در میان طالبان از "صدر ابراهیم" و "ملا فاضل" و "قیوم ذاکر" و "شورای هلمند" و سایرین، در حلقه قدرت سیاسی جدید در افغانستان عملاً دستشان به جایی بند نیست. کنفرانس همسایگان افغانستان در تهران فراخوان داده شد. بی آنکه طالبان به عنوان دولت افغانستان به این کنفرانس دعوت شوند.

طالبان اوضاع بحرانی در مرزهای طولانی با جمهوری اسلامی و تغییر سیاست ژئوپلیتیک منطقه بکلی از کنترل جمهوری اسلامی خارج خواهد شد. در نتیجه تلاش جمهوری اسلامی ایران برای حل بحران نه قدرت فائقه طالبان که شریک کردن احزاب جهادی بویژه جناح‌هایی از حزب جمعیت اسلامی و حزب وحدت اسلامی و عقبه فاطمیون در قدرت سیاسی در افغانستان است که جمهوری اسلامی با اسم رمز "حق اقوام و مذاهب" آنرا بیان می‌کند. این راه حل ارتجاعی دیگری است که جمهوری اسلامی با توسل به آن تلاش دارد تعادل را در منطقه به درجه‌ای به نفع خود تغییر بدهد. بدون این تقسیم قدرت، طالبان یک رقیب جدی ایدئولوژیک افسار پاره

همسو با القاعده از یک سو، داعش به عنوان رقیبی برای طالبان و حضور در منطقه به اضافه وضعیت متلاطم داخلی و آینده مبهم حکومت امارت اسلامی و خط قرمزهای منافع روسیه و چین در منطقه، اساس تشکیل کنفرانس مسکو بود. ده کشور منطقه از جمله جمهوری اسلامی ایران را هم به این کنفرانس دعوت کردند تا با سیاست‌ها و منافع خود هم جهت کنند.

جمهوری اسلامی ایران اما ناراضی از کنفرانس مسکو بود. منافع دراز مدت جمهوری اسلامی با روسیه و چین و پاکستان متفاوت است. جمهوری اسلامی توان تأمین و تحمل عوارض غیر قابل پیش‌بینی و مخارج عظیم چنین بحرانی را مطلقاً ندارد. با فروپاشی حکومت

کرده است، امری پیچیده و چند وجهی است. اگر طالبان نشان میداد که قادر به حل بحران‌های کنونی است، صحنه به شکل دیگری تغییر می‌کرد.

کنفرانس مسکو به خوبی این پیچیدگی را نمایان کرد. کشمکش در بطن منطقه، در منافع متضاد استراتژیک، خود را برجسته کرد. روسیه و چین می‌خواهند پا جای پا آمریکا بگذارند. اما وضعیت بحرانی و متلاشی شدن شیرازه جامعه افغانستان و فروپاشی محتوم آن وضعیت را دگرگون کرده است. پس باید تکلیف تروریسم اسلامی طالبان که چتر پوششی انواع درندگان اسلامی است را با کشورهای منطقه مشخص کنند. مرزهای مشترک چندین کشور و تحرکات تروریستی چتری از جریانات تروریستی اسلامی

ادامه از صفحه ۴



خاموش که تا توانسته تسمه از گرده‌شان کشیده و از بدیهی‌ترین حقوق شهروندی محروم‌شان کرده را به نام میزبانی از پناهنده و مهاجر افغان به عنوان برگ برنده در مقابل طالبان استفاده می‌کند. و برای فشار بر طالبان بر دامنه اخراج هزاران نفره کارگران مهاجر افغان دست به هر اقدامی می‌زند. در حالی از حقوق مردم افغانستان دم می‌زند که بدرفتاری و اخراج خشن مهاجرین افغان را بیشتر از هر زمان دیگر افزایش داده است.

وزیر امور خارجه ایران در کنفرانس تهران، آگاهانه طالبان را «هیئت حاکمه سرپرستی موقت افغانستان» می‌خواند. نه حکومت و دولت افغانستان. تا نارضایتی طالبان از فاصله گرفتن از حکومت ایران را برجسته کند.

منافع دولت‌ها و رقابت‌های آشکار و نهان آنان ربطی به منفعت مردم افغانستان ندارد و گره‌ای از این فلاکت دردناک نخواهد گشود. روسیه، چین، پاکستان و جمهوری اسلامی ایران به دنبال منافع استراتژیک خود، از جناح‌ها و دستجات طالبان علیه منافع مردم افغانستان پشتیبانی کرده‌اند. اکنون نیز همان روال را در اشکال پیچیده‌تر در رقابت‌های منطقه‌ای دنبال می‌کنند.

سنگر دفاع از مردم افغانستان

علیرغم فجایع بیشمار اما، صدای اعتراض و مبارزه در اشکال گوناگون علیه سلطه قرون وسطایی طالبان برپاست. نمود بارز این اعتراضات در خیابان‌ها با حضور شجاعانه زنان است. فریادی که کل جامعه را نمایندگی می‌کند. و اعلام می‌کند علیرغم این وضعیت بحرانی جامعه در خود فرو نرفته است. ما فریاد مردم گرسنه افغانستان هستیم، ما فریاد زنان مبارز افغانستان هستیم. صدای اعتراض ما را نمی‌توانید خفه کنید. ما حق تحصیل و کار می‌خواهیم! این صدایی است که در خیابانهای کابل خواب از چشم امارت

اما جبهه نبرد اساسی برای دگرگون کردن وضعیت موجود در جای دیگری است. صدای دیگر و فراخوان دیگری دارد. مبارزه زنان علیه طالبان یک رکن اساسی دفاع از مردم افغانستان است. این سنگر و خواست‌های آن باید تقویت شود و در تمام کشور گسترش یابد. برخلاف تمامی سنت‌های قومی و کاریزما سازی جهادی، مبارزه زنان علیه طالبان، علیه قوانین ارتجاعی، خصلتی سکولار و ضد ارزشهای قومی و مذهبی دارد.

فصله بیشتری بگیرد. سکولاریسم یک محور اصلی در تفکیک خواست‌ها و مطالبات اجتماعی در شرایط کنونی افغانستان است. جدایی دین از دولت، کوتاه کردن دست مذهب از زندگی مردم، یک مطالبه محوری است و نیروی جدیدی را به عرصه جدال‌های کنونی وارد می‌کند. سنت‌های رایج جهادی و قومی و قبیله‌ای را کنار می‌زند. برابری زن و مرد، تأمین حضور اجتماعی زنان در همه عرصه‌های اجتماعی و سیاسی، چهره مبارزه سیاسی در افغانستان را دگرگون می‌کند. این وظیفه تاریخی نیروهای چپ و سوسیالیست و مترقی است که این پرچم را افراشته نگهدارند.

۲۸ اکتبر ۲۰۲۱

قوانین ارتجاعی، خصلتی سکولار و ضد ارزشهای قومی و مذهبی دارد.

این جنبش از دل هیچ حزب جهادی بیرون نیامده است. خلاف جریان است و راه نشان می‌دهد. این اعتراضات به سرعت به نمایندگی جامعه بدل شده است. از شعار ما زنان حق خود را می‌خواهیم به ما صدای مردم گرسنه افغانستان هستیم ارتقاء یافته است. صدای مردم افغانستان را از این سنگر باید به گوش جهانیان رساند. جبهه واقعی نبرد اینجاست، برای نجات و خلاصی از وضعیت موجود باید راه اصلی را مقابل جامعه گذاشت.

همین جبهه مترقی هنوز باید تلاش بیشتری بخرج دهد تا از توهنات قومی و مذهبی

شمول" علیرغم ظاهر آراسته آن اعتراض به حذف حق شهروندی نیست. اعتراض به سهیم نشدن در دایره قدرت ارتجاعی حکومت کنونی است. اگر طالبان سران قومی و قبیله‌ای را در دایره قدرت خود راه بدهند، احزاب جهادی دیگر اعتراضی به آن ندارند. شریک برادران ناراضی خود خواهند شد.

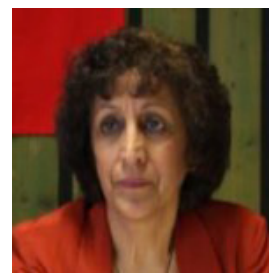
اما جبهه نبرد اساسی برای دگرگون کردن وضعیت موجود در جای دیگری است. صدای دیگر و فراخوان دیگری دارد. مبارزه زنان علیه طالبان یک رکن اساسی دفاع از مردم افغانستان است. این سنگر و خواست‌های آن باید تقویت شود و در تمام کشور گسترش یابد. برخلاف تمامی سنت‌های قومی و کاریزما سازی جهادی، مبارزه زنان علیه طالبان، علیه

اسلامی طالبان گرفته است و به کل جهان نهیب می‌زند تا راه مماشات و سازش و به رسمیت شناسی طالبان را سد کند. این اعتراضات چراغ امید را در دل جامعه روشن نگه داشته است هر جبهه‌ای که جنگ سالاران پیشین و شرکاء جهادی آنها گشوده‌اند در پایه‌ای‌ترین سطح نزاع بر سر تقسیم دایره قدرت است. با همان فرهنگ و زمینه‌های سیاسی و اجتماعی که احزاب جهادی بر آن بنا شده‌اند. هر درجه از قهرمان سازی برای لاپوشانی کردن همین حقیقت ساده است.

همه جریان‌های سیاسی که حق شهروندی را کنار گذاشته‌اند پایه‌های قومی و مذهبی را رکن مطالبات سیاسی خود قرار داده‌اند. همه آنها ارتجاعی و علیه منافع مردم افغانستان هستند. تَر حکومت "همه

خط فقر مسکن، مافیای مسکن و پاسخ مردم

بنا بر گزارشات منتشر شده بهای مسکن در تهران ظرف سه سال رشدی ۵۰۰ درصدی داشته است. همزمان قدرت خرید مردم کاهش یافته و روند بازار مسکن در حاشیه شهرها و محرومترین مناطق به شدت با بحران و التهاب روبرو شده است. در همین راستا آمارهای بسیاری از کارتن خوابی، گورخوابی، دیوارخوابی، پشت باب خوابی و موج وسیع حاشیه نشینی را شاهدیم.



شهلا دانشفر

بی مسکنی در ایران بیداد میکند. قیمت مسکن سرسام آور بالا میرود. بنا بر گزارشات منتشر شده بهای مسکن در تهران ظرف سه سال رشدی ۵۰۰ درصدی داشته است. همزمان قدرت خرید مردم کاهش یافته و روند بازار مسکن در حاشیه شهرها و محرومترین مناطق به شدت با بحران و التهاب روبرو شده است. در همین راستا آمارهای بسیاری از کارتن خوابی، گورخوابی، دیوارخوابی، پشت باب خوابی و موج وسیع حاشیه نشینی را شاهدیم. اما اکنون بحث فراتر از اینهاست و بحث بر سر خط فقر مسکن است و اوضاع آنقدر وخیم است که کارشناسان مختلف حکومتی به خط شده اند تا بلکه راه نجاتی برای معضلات این حکومت در هم شکسته پیدا کنند. فرید قدیری یکی از این کارشناسان البته در حوزه مسکن است. او طی سخنانی با اشاره به اینکه ۴۰ درصد خانوارهای ایرانی زیر خط فقر مسکن هستند می گوید: فقر مسکن تعریف جهانی دارد و خانوارهایی که بیش از ۳۰ درصد از هزینه ماهانه یا سالانه خود را صرف تأمین مسکن می کنند زیر خط فقر مسکن هستند.

از ابعاد این فاجعه که به قیمت خانه خرابی مردم تمام شده را بیشتر دریابید. این گزارشات گوشه ای از بساط چپاول و دزدی بی حد و حصر حاکم در ایران و بطور ویژه در بازار مسکن و وجود یک مافیای بزرگ در این عرصه را به نمایش میگذارد. مافیایی که خود حکومتیان و سپاه و دارو دسته هایشان اعضای آن هستند.

یک پاسخ فوری به بحران مسکن جمع شدن بساط مافیای مسکن از سر جامعه است. همه مردم حق دارند که از مسکن مناسب برخوردار باشند. کارگران با شعار "ملک نجومی تو مارا بی مسکن کرده" در برابر این مافیا ایستاده و حق خود را طلب میکنند.

در همین زمان شهرداری ها و نهادهای نظامی خانه های ادامه در صفحه ۷

بنا بر آمارهای اعلام شده از سوی بانک مرکزی طی ۱۶ سال گذشته حدود ۱۷۰ میلیارد و ۶۱۷ میلیون دلار سرمایه از کشور خارج شده که اوج آن را در خرید و سرمایه گذاری مسکن در کشورهای همسایه مثل ترکیه، گرجستان و امارات توسط ایرانیان میتوان مشاهده کرد.

افضل حسینی عضو کمیسیون عمران مجلس اسلامی در تیر ماه سال ۹۸ از اینکه در تهران کسانی صاحب ۲۵۰۰ خانه هستند سخن گفته است. همچنین طبق آمارهای دیگری که در رسانه های ایران منتشر شده است دو میلیون واحد مسکونی در ایران وجود دارد که خانه های لوکس و خالی هستند.

به این ارقام دزدی های کلانی که تحت طرحهایی چون مسکن مهر و تعاونی های مسکن مختلفی صورت گرفته است اضافه کنید تا گوشه ای

های در دست ساخت تعاونی های سپاه در شهرک خرازی با قیمت هر مترمربع حدود دو و نیم میلیون تومان برای سپاهیان ساخته میشود. اما قابل تامل تر اینکه این سپاهیان که یا در خانه های سازمانی لوکس زندگی میکنند و یا در نقطه ای دیگر از تهران مسکن دریافت کرده اند، این املاک را به محلی برای سودجویی تبدیل کرده و امتیاز آپارتمان خود را که مثلا حدودا دویست میلیون تومان برای آن پرداخت کرده اند با قیمت های نجومی چندین میلیاردی به فروش میرسانند. بخش دیگری از همین دزدی ها هزینه های گزافی است که صرف مناطق گردشگری خودی هایشان کرده و از جمله برای رفاه مزدوران خود زمین رایگان در اختیار ایران مال و چندین مجموعه رفاهی و گردشگری دیگر که متعلق به سوپر میلیاردرهای وابسته به بیت خامنه ای هستند قرار داده اند.

خط فقر مسکن میگویند بسیار بالاتر از اینها خواهد بود. اما حتی اگر رقم داده شده فرید قدیری را مینا بگیریم، باز بحث بر سر فاجعه ای به اسم بی مسکنی و فقر مسکن در ایران است. البته کارشناس مزبور از اینکه در تهران جمعیت زیر خط فقر مسکن به بالای ۷۰ درصد می رسد سخن گفته و به این اشاره دارد که برای یک زوج صاحب مسکن شدن، آنهم به شرط اینکه تورم مسکن با میزان رشد دستمزد برابری کند، ۶۶ سال طول میکشد. همین گفته او داستان رویای دست نیافتنی صاحب خانه شدن در جامعه بیمار ایران را به روشنی نشان میدهد.

گوشه ای از چپاول مافیای مسکن

در گزارشی که در سال گذشته دریافت کردیم چنین آمده بود: "منطقه ۲۲ تهران سالهاست به جولانگاه نهادهای نظامی و امنیتی جهت ساخت و ساز برج ها و مال های سوپر لوکس تبدیل شده است. نهادهای نظامی و امنیتی سپاه برای تطبیع پرسنل مزدور خود برج های متعددی را از جمله برج های شهرک باقری، برج های شهرک امام رضا، برج های شهرک آسمان سپاه، برج های شهرک نمونه سپاه را ساخته و در قالب تعاونی های خود در اختیار اعضا و کادرفایشان قرار میدهند. در شرایطی که قیمت متوسط هر مترمربع آپارتمان در تهران حدود ۲۴ میلیون تومان و بیشتر می باشد آخرین برج

بنا بر آمارهای اعلام شده از سوی بانک مرکزی طی ۱۶ سال گذشته حدود ۱۷۰ میلیارد و ۶۱۷ میلیون دلار سرمایه از کشور خارج شده که اوج آن را در خرید و سرمایه گذاری مسکن در کشورهای همسایه مثل ترکیه، گرجستان و امارات توسط ایرانیان میتوان مشاهده کرد.

”قانون جهش مسکن“ و وعده ساختن سالی یک میلیون مسکن که البته اگر مساکنی که قرار است ساخته شوند از دزد بازار خود حکومتیان در امان بمانند، فقط یک سراب است و معنای عملی آن حواله دادن جامعه به پیش از یک قرن صبر و انتظار برای حل بحران عمیق بی مسکنی است. رئیسی این حرفهای بی پایه و اساس را دارد در جامعه ای به مردم تحویل میدهد که کابوس رفتنی بودن نظامش آسایش را از چشمان همه حکومتیان ربوده است و در دل نزاع هایشان دارند مرتباً نسبت به ”شورش گرسنگان“ هشدار میدهند و به یکدیگر نهیب میزنند.

روستاییان، خانه های مردم فرودست، و خانه های ساخته شده با حلی و کاهگل حاشیه نشین ها را روی سرشان خراب میکنند. در سوی دیگر برای رفاه مزدوران خود زمین رایگان در اختیار ایران مال و چندین مجموعه رفاهی و گردشگری دیگر که متعلق به سوپر میلیاردهای وابسته به بیت خامنه ای هستند قرار میدهند. در مقابل در پایین ترین نقاط شهر گورخوابی را شاهدیم که پدیده ایست که در فقیرترین کشورها در همه اعصار هم، به ندرت دیده شده است.

رئیس و قانون جهش مسکن

میلیونها انسان در ایران با مشکل مسکن روبرویند و ابعاد این مسئله به یک موضوع انفجاری در جامعه تبدیل شده است. رئیسی جلاد و کارشناسان حکومت مسکن“ میکوشند از کنار این مساله به آرامی بگذرند. در این طرح رئیسی اعلام کرده است که با اخذ مالیات بخشی از مشکل مسکن را حل کند و وعده ساختن سالی یک میلیون مسکن را به مردم داده است. کمدی درامای این ماجرا اینجاست که اینها درحالیکه دارند از مخمصه بحران مسکن سخن میگویند و دو دستی بر سر خود میکوبند، همزمان شهرداری ها و نهادهای نظامی مشغول تخریب خانه های روستاییان، خانه های مردم فرودست، و خانه های ساخته شده با کاهگل حاشیه نشین ها را بر روی سرشان هستند.

رئیس، رئیس جمهور حکومتی است که سازمان برنامه و بودجه اش ورشکستگی اقتصادی آن را اعلام کرده است. رئیس جمهوری مفلوک که زیر فشار فضای انفجاری جامعه به هذیان گویی افتاده است و ”قانون جهش مسکن“ نمونه ای از هذیان گویی هاست. البته او در همین مدت از این حرفهای بی سر و ته که فقط مصرف سر دواندن مردم را دارد، بسیار زده است. حرفهایی که به ریشخند او توسط مردم و جوک های کف

مساجد و هتلهای لوکس به امر مسکن سازی برای کمک به رفع بحران مسکن است. راه حل پایان دادن به چپاول و دزدی مافیای مسکن و برگرداندن همه این منابع به مردم و مسکن سازی انبوه در سطح جامعه است. پایان دادن به بازار ”داغ“ سوئیت هایی است که بنا بر گزارشات رسانه های حکومتی همین الان در تهران با اجاره های نجومی منبعی برای چپاول مردم تبدیل شده است.

بعلاوه در حالیکه همین امروز بخش بزرگی از درآمد هر خانواده را هزینه مسکن میلعد حرف ما اینست که بیش از یک دهم درآمد یک خانوار نباید صرف اجاره مسکن شود. و دولت در قبال تامین معیشت افراد بدون درآمد و یا کم درآمد مسئول است و باید به آنها حقوق پایه ماهانه پرداخت شود و همه این افراد باید از حق داشتن مسکن مناسب و شایسته زندگی کردن برخوردار باشند. با سرنگونی جمهوری

اسلامی و بازگرداندن ثروت های نجومی به یغما رفته توسط این حکومت به مردم، مشکل مسکن را برای همیشه حل خواهیم کرد. اگر قدرت دست مردم باشد، بهترین مسکن ها را میتوان ساخت. جمهوری اسلامی نابود باید گردد.

درد تا زمین ها را به نام وزارت راه و شهرسازی کند. و این درحالیست که بخش کلانی از همین زمینها در تصرف باندهای مافیایی حکومتی و از جمله بیت رهبری و آقا زاده ها و سپاهیان و دارو دسته های مختلف آنهاست. یک نمونه آن واگذاری ”املاک نجومی“ در دوران ریاست قالیباف بر شهرداری تهران و ”فساد“ و دزدی های کلان پشت این ماجرا است که در سال ۹۵ به موضوعی جنجالی تبدیل شده و پرونده قطوری دارد و همچنان راکد مانده است.

روشن است که زیر فشار اعتراضات مردمی است که تمام این آمار و ارقام ها و بحث و فحص ها را از زبان حکومتیان و کارشناسان صدیقشان می شنویم. اما در این مباحث صحبتی از ضبط املاکی که همین امروز در قبضه مافیای مسکن است که خود از سران حکومتند سخنی در میان نیست.

در میان این هیاهو ها حرف مردم روشن است. بله باید و میشود ظرف شش ماه مشکل مسکن را حل کرد. و یکی از راه حل های فوری آن نیز در اختیار مردم گذاشتن همان چندین و چند میلیون خانه خالی و لوکسی است که در آمارهایشان اعلام کرده اند. راه حل در اختیار گذاشتن

گوشزد کردن کسر بودجه ۴۰۰ هزار میلیارد تومانی دولت و قرار دادن سوالاتی در مقابل دولت رئیسی مبنی بر اینکه این یک میلیون خانه در سال با کدام منابع مالی باید ساخته شوند و اینکه تهیه این خانه ها چند سال طول میکشد، به وجود چهار میلیون و ۵۰۰ هزار خانه خالی و یا خانه دوم اشاره کرده و بر اجرای قانون مالیات و مشمول مالیات شدن همین خانه های خالی که هم اکنون مستثنی هستند، و نیز بر اینکه مردم باید بتوانند ظرف ۶ ماه آینده از خانه هایی که بلا استفاده هستند استفاده کنند تاکید میکند. در همین رابطه ابوالفضل نوروزی، مشاور وزیر راه و شهرسازی اشاره کرده و میگوید که بخشی از خانه ها در قالب اقامت دوم به عنوان تفرجگاه مورد استفاده قرار می گیرند که بخش زیادی از آنها در مناطق گران قیمت شهر است و «عرضه آنها می تواند کمک کند تا به صورت پلکانی خانه هایی که در پایین دست هستند ارزان تر شود.

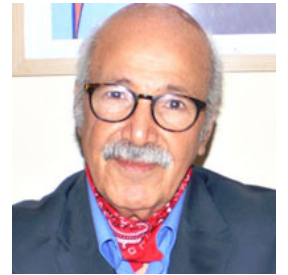
بنا بر ”قانون جهش تولید مسکن“ همچنین همه دستگاه ها موظف شده اند که زمین های خود را ظرف دو ماه در اختیار وزارت راه و شهرسازی قرار دهند و ابوالفضل نوروزی مشاور وزیر راه و شهرسازی میگوید که یک ماه سازمان ثبت فرصت

خیابان تبدیل شده است.

”قانون جهش مسکن“ و وعده ساختن سالی یک میلیون مسکن که البته اگر مساکنی که قرار است ساخته شوند از دزد بازار خود حکومتیان در امان بمانند، فقط یک سراب است و معنای عملی آن حواله دادن جامعه به پیش از یک قرن صبر و انتظار برای حل بحران عمیق بی مسکنی است. رئیسی این حرفهای بی پایه و اساس را دارد در جامعه ای به مردم تحویل میدهد که کابوس رفتنی بودن نظامش آسایش را از چشمان همه حکومتیان ربوده است و در دل نزاع هایشان دارند مرتباً نسبت به ”شورش گرسنگان“ هشدار میدهند و به یکدیگر نهیب میزنند. در این میان کارشناسان حکومتی نیز با همین هشدار دادنها تلاش دارند راهی برای نجات نظامشان جستجو کنند. از جمله قدیری کارشناس حوزه مسکن جمهوری اسلامی در رابطه با طرح کذایی ”قانون جهش مسکن“ سال اول دولت ابراهیم رئیسی را ”سال طلایی“ برای او خوانده و هشدار می دهد که اگر او نتواند مشکل مسکن را حل کند ”مطالبات سنگین تر“ خواهد شد. معنای واقعی آن هشدار نیز به روشنی خطر شعله کشیدن خشم و اعتراضات مردمی است. قدیری در مقام یک مشاور دلسوز حکومتی با

به مناسبت مرگ یک دژخیم

داود رحمانی موسوم به حاج داود اولین رئیس زندان قزلحصار و دستیار لاجوردی در سالهای ۶۰ تا ۶۳ بوده و داستانهایی که از شکنجه‌های وحشتناک زندانیان سیاسی توسط او گفته میشود، شوکه آور است. اینکه چنین موجودی در بقیه ایام زندگیش در جمهوری اسلامی چه جنایات دیگری را مرتکب شده را من نمیدانم. اما در همین سالهای ریاست زندان و همکاری با لاجوردی بنا به گزارشهای بسیاری از زندانیان سیاسی، او دستش به خون شمار زیادی از زندانی سیاسی زن و مرد و شکنجه و تجاوز و آزارهای دهشتناک هزاران زندانی سیاسی و عزیزان مردم آلوده بود.



کاظم نیکخواه

چند روز است که داود رحمانی موسوم به حاج داود یکی از دژخیمان حکومت اسلامی مرده است. خیلی هایمان با مرگ امثال او متوجه میشویم که فقط از دست دادن کسانی که عزیزشان میداریم نیست که غم انگیز است، بعضا حتی مرگ آنها که از آنها متنفریم نیز ناراحت کننده است. من هم یکی از آنها هستم که از چند روز پیش که خبر مرگ حاج داود رحمانی را شنیدم و شرح احوالاتش را خواندم و یا از زبان زندانیان سیاسی شنیدم، بسیار غمگین هستم. چندبار خواستم احساسم را بیان کنم اما تا امروز برایم مقدور نشده بود. او اولین رئیس زندان قزلحصار و دستیار لاجوردی در سالهای ۶۰ تا ۶۳ بوده و داستانهایی که از شکنجه‌های وحشتناک زندانیان سیاسی توسط او گفته میشود، شوکه آور است. اینکه چنین موجودی در بقیه ایام زندگیش در جمهوری اسلامی چه جنایات دیگری را مرتکب شده را من نمیدانم. اما در همین سالهای ریاست زندان و همکاری با لاجوردی بنا به گزارشهای بسیاری از زندانیان سیاسی، او دستش به خون شمار زیادی از زندانی سیاسی زن و مرد و شکنجه و تجاوز و آزارهای دهشتناک هزاران زندانی سیاسی و عزیزان مردم آلوده بود. خبر مرگ این موجود کثیف یک بار دیگر کابوس دهه شصت را بویژه برای بازماندگان آن هالوکاست اسلامی زنده کرد. نفرت انگیزتر اینست که با دهن کجی به مردم این کشور در آگهی مرگش او را بعنوان "مظهر حسن خلق و مهربانی" توصیف کرده اند.

سوراخ دیگر خزیدن برای اینکه دستگر نشوند، خود سرنوشت مناسبی برای گرگان درنده نازیست و فاشیست است. ای کاش حاج داود و خامنه ای و خمینی و خلخال هم به این سرنوشت دچار میشدند و مادران داغدار قربانیان حکومت، آنها را در موقعیت تحقیر شده و مفلوک و شکست خورده مشاهده میکردند. بدون تردید اما بخشی از ما مردم این خوشبختی را خواهیم داشت که چنین موقعیتی را برای باز ماندگان هالوکاست اسلامی شاهد باشیم. متأسفانه حاج داود هم مثل خلخال و خمینی و شماری دیگر، چنین سرنوشتی را نداشت و در دادگاهی مردمی حاضر نشد. او کشت و شکنجه کرد و تجاوز کرد و در ثروت و نعمت مرد و حکومتش همچنان سرباست. این خوشبختی حاج داود بود اما اوضاع کنونی جامعه نشان میدهد که قطعاً بسیاری از دیگر سران و شکنجه گران اسلامی این خوشبختی را نخواهند داشت و مردم اجازه نخواهند داد که روی آرامش را ببینند. طلایه های آن روزها از هم اکنون در افق جامعه هویداست.

۲۵ اکتبر ۲۰۲۱

حاج داود طبعاً تنها نبود او جزئی از یک سیستم ضد انسان و انسانیت بود. او سر خود کاری نکرد. دستوراتش را از خمینی و رفسنجانی و لاجوردی میگرفت. اما یک سر شکنجه گر تمام عیار بود.

امیدوارم بتوانیم هرچه زودتر از شر حکومت اسلامی خلاص شویم و شکنجه گران و دیگر بازجوها و آخوندهای خونریز و خون آشام اسلامی را به دادگاههای مردمی بکشانیم. این آرزوی بسیاری از مادران و پدران و بستگان قربانیان حکومت اسلامی است. بعد از جنگ جهانی دوم دادگاه نورنبرگ شمار متعددی از نازیهای دستگیر شده را دادگاهی کرد. اما بسیاری از آنها فرار کردند و در کشورهای مختلف خود را مخفی نمودند. این روزها خبری میخواندم که یکی از اس اس های فراری که در کمپ نازیها هزاران تن از نازیها و کمونیستها را کشتار کرده در سن ۱۰۰ سالگی دستگیر و دادگاهی شده است. شکنجه گران فراری حکومت سرهنگان در آرژانتین یا حکومت پینوشه در شیلی نیز کمابیش چنین سرنوشتی داشته اند. مهم نیست که اینها خود را مخفی کرده اند. همین دوران مخفی زندگی کردن و از این سوراخ به

بمیرند، بدون اینکه در دادگاهی مردمی حاضر شوند و ناچار شوند حقایقی از پشت پرده آدمکشی های حکومتشان را اعتراف کنند، بدون اینکه مادران و پدران و فرزندان که عزیزانشان قربانی آنها شده اند را در یک دادگاه مردمی چشم در چشم ببینند و توسط این مردم داغ دیده و حسرت کشیده مورد نفرت و تحقیر و انزجار قرار گیرند، برآستی ناراحت کننده است. خبر مرگ حاج داود این روزها یک بار دیگر کابوس آن دوران خونین و خونبار دهه شصت را برای خیلی از مردم بویژه زندانیان سیاسی بازمانده از آن دوران زنده کرده است.

من خود در این دوران در زندان نبودم و با حاج داود و لاجوردی و دیگر گرگهای اسلامی روبرو نشدم. اما با شکنجه گران ساواک شاه سرو کار داشته ام که شلاق میزدند و آویزان میکردند و شوک الکتریکی میدادند و ناخن میکشیدند. اما فکر نمیکنم که روزی در این مملکت موجوداتی پیدا میشوند که با ابداع شیوه های وحشتناکتر شکنجه و زجر کش کردن، روی دست شکنجه گران ساواک بزنند و کاری کنند که آنها به اصطلاح "رو سفید" شوند.

کثیف و خونین امثال حاج داود و لاجوردی و کچویی و خلخالی و امثال این دیوهای خبیث، انقلاب عظیم مردم علیه دیکتاتوری شاه را بیرحمانه خفه کرد و دفن نمود و حاکمیتش را سرپا نگه داشت. مردمی که با هزار آرزو و چشم انداز امید بخش، خود را از ساواک و زندان و دربار شاه خلاص کرده بودند و شاد بودند و آینده روشنی را مقابل خود می دیدند به ناگهان با دیو خونخوار اسلامی روبرو شدند و دهها و صدها هزار نفر از جوانان و زنان و مردان در حالیکه خود را در بهار آزادی تصور میکردند، به یکباره در خیابانها و خانه ها دستگیر شدند و به چنگ این گرگها افتادند و بدست آنها لت و پار و نابود شدند و در گورهای بی نام و نشان مدفون گردیدند. یک شوک اجتماعی تمام عیار! داستان آن هالوکاست اسلامی هنوز آنچنان که باید بیان نشده است. باید همچون هالوکاست نازیسم بعد از جنگ جهانی دوم، پیرامون آن فیلمها ساخت، کتابها نوشت و یاد قربانیانش را به اشکال مختلف گرمی داشت. حاج داود یکی از عاملان آن هالوکاست فراموش نشدنی است.

اینکه چنین موجوداتی در قصرهای خود در سنین بالا

جمهوری اسلامی به دستور خمینی و مستقیماً با دست

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

ویژه دومین سالگرد قیام آبانماه ۹۸



بیانیه حزب کمونیست کارگری به مناسبت سالروز خیزش آبان

ترس از مردم را در تمام حرکات و وجنات دست اندرکاران حکومت میشود بوضوح دید.

آنچه جامعه ایران دارد نشان میدهد اینست که آبان زنده است. قربانیان کشتار آبان همه جا توسط مردم عزیز و گرمی داشته میشوند. حکومت اسلامی به عنوان یک نیروی بیگانه و اشغالگر و دشمن خونی مردم شناخته میشود. مردم اعلام میکنند و نشان میدهند که این حکومت باید برود و راهی جز سرنگونی پیش پای آن قرار ندارد. حکومت اسلامی در میان مردم شدیداً منفور و منزوی است. و چنین حکومتی راهی جز سرنگون شدن پیش رو ندارد. دور نیست روزی که آمران و عاملان کشتار آبان را در دادگاههای علنی مردمی به محاکمه بکشیم.

نابود باد حکومت اسلامی
زنده باد انقلاب انسانی برای
جامعه ای انسانی

حزب کمونیست کارگری ایران

۵ آبان ۱۴۰۰، ۲۷ اکتبر ۲۰۲۱

در دیماه بار دیگر مردم و در پیشاپیش آنها دانشجویان در چندین شهر دست به تظاهرات زدند، پوسترهای خامنه ای و سلیمانی را به آتش کشیدند و با شعار جمهوری اسلامی نابود باید گردد، سپاه جنایت میکند رهبر حمایت میکند، سلیمانی قاتله رهبرشم جاهله به کشتار آبان پاسخ دادند و اعلام کردند که جامعه مرعوب نشده و هر جا فرصت کند رادیکال تر و گسترده تر به میدان میاید.

با سرکوب خیزش آبان، اعتراض و اعتصاب و جنبش دادخواهی و ابراز علنی نفرت و انزجار علیه سران و سردمداران حکومت از جانب بخشهای مختلف مردم، اشکال علنی تر و متنوع تر و ابعاد وسیعتری یافت. اعتصابات و اعتراضات کارگری ابعادی وسیعتر بخود گرفت. خواست ها روشن تر، جامعه چپ تر و فعالین متشکل تر شدند و جنبش سرنگونی برای حکومت غیر قابل کنترل تر گردید. اوضاع به شکلی در آمد که همه جا همه کس این جنبش را می بیند و لمس میکند، اما سرکوب و کنترل آن توسط سرکوبگران عملاً ممکن نیست. وحشت و

اسلامی رقم زدند.

جمهوری اسلامی با تمام توان جنایتش به تقابل با مردم پرداخت و بیرحمانه ترین فرماندهان و نیروهایش را در همه جا علیه مردم معترض به میدان کشید و با هدف کشت تظاهر کنندگان را مورد یورش قرار داد. بیش از ۱۵۰۰ نفر از تظاهر کنندگان با شلیک مستقیم مزدوران و آدمکشان اسلامی کشتار شدند. بیش از ۷۰۰۰ نفر دستگیر و زندانی شدند. مردم اعتراضات را به محلات کشاندند و برای روزهایی عملاً کنترل برخی محلات را بویژه در خوزستان بدست گرفتند و جوانان جسور برخی پایگاه های سرکوب را خلع سلاح کردند. نهایتاً خیزش مردم به خون کشیده شد و عقب نشست. کشتار و بیرحمی حکومت اسلامی در این تقابل برآستی حد و حساب نداشت.

بدنبال این کشتار دوره دیگری از تقابل با حکومت اسلامی آغاز شد. یک اوج مجدد آن در خیابانها پس از شلیک موشک به هواپیمای اوکراینی پرواز ۷۵۲ در دی ۹۸ فوران کرد.

به آتش کشیده شد. شعارهای "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر خامنه ای"، "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "توپ تانک فشفشه آخوند باید گم بشه" در سراسر کشور طنین انداز شد. مردم عکس های خمینی و خامنه ای و پرچم جمهوری اسلامی را به عنوان نماد حکومت و چهل سال سرکوب و فساد و جنایت به آتش کشیدند، دانشجویان در دانشگاهها شروع به تظاهرات کردند و در برخی شهرها عملاً اعتصاب عمومی شکل گرفت.

آبان ۹۸ ادامه خیزشهای مردمی تیر ۷۸، خرداد تا دیماه ۸۸ و دی ۹۶ و ادامه اعتصابات و اعتراضات وسیع کارگری بود اما بدون ابهام و در ابعادی بسیار وسیعتر، خشمناکتر، عمیقتر و سراسری تر اراده و آرزوی مردم را بازتاب داد و جنبش سرنگونی را یک گام اساسی تر به جلو سوق داد. لایه های مختلف مردم، زن و مرد در این خیزش دخیل شدند و شرکت کردند. جوانان و زنان در این خیزش نقش بسیار برجسته ای داشتند و روزهایی تاریخی را در جنبش سرنگونی و رهایی از شر نظام فاسد سرمایه داری

از خیزش آبان و دی ماه ۹۸ دو سال گذشت و به سالروزش نزدیک میشویم. خیزشی که در بیش از صد شهر جریان یافت و لرزه ای سنگین بر اندام حکومت اسلامی انداخت و یک بار دیگر نشان داد که مردم ایران مصمم اند حکومت اسلامی این نیروی ضد بشری، این مافیای چپاول مفتخوران خبیث و جنایتکار را به زیر کشند و جامعه ای انسانی و مرفه و مدرن را پایه ریزی کنند.

جمهوری اسلامی اعتراض مردم به گرانی بنزین را با گلوله جواب داد و مردم اعتراض را به شهرهای مختلف کشور کشاندند و تظاهرات به یک خیزش سراسری تبدیل شد. بنا به آمار یکی از مقامات مجلس اسلامی ۴۹۷ مرکز دولتی و بخش خصوصی مورد خسارت جدی قرار گرفت، به ۲۳۰ خودرو دولتی و عمومی و ۵۶۹ خودرو و موتور نیروهای امنیتی و انتظامی آسیب زدند. ۹۹۱ بانک یا تخریب شد یا آتش زده شد، ۱۲۳ مرکز! سوخت و تخریب شد. علاوه بر اینها تعدادی از مراکز علمیه و مراکز تحمیق و سرکوب مذهبی نیز



ویژه دومین سالگرد قیام آبانماه ۹۸



دو سال از قیام آبان گذشت؛ همچنان فریاد میزنیم # آبان_ادامه_دارد

زنده باد مبارزات مردمی علیه حکومت کشتار و نابرابری! جمهوری اسلامی نابود باید گردد!

دانشگاه سنکر آزادی و برابری
۴ آبان ۱۴۰۰
۲۶ اکتبر ۲۰۲۱
سازمان جوانان کمونیست

علیه حکومت قاتلان اسلامی است و در دومین سالگرد این عروج جنبش سرنگونی در ایران، باید در کنار خانواده های دادخواه آبان ایستاد و علیه جمهوری اسلامی وسیعا دست به اعتراض زد.

دهه گذشته است که به بدنه این عرصه مبارزاتی لزوم دوام راه نیمه رفته آبان را یادآوری کرده و به نوعی دانشجویان را به اکتیهای مهم سیاسی و پراتیک فرامیخواند.

در این اوضاع، دانشجویان باید در سالگرد آبان یاد کشته شدگان خیزش آبان ۹۸ را با علم کردن پرچم دادخواهی بزرگ داشته و در برابر حکومتی که کمر به کشتار توده های ناراضی از شرایط موجود بسته است بایستند. از این رو دانشگاه سنکر آزادی و برابری با توجه به فضای اعتراضی موجود در جامعه، همه دانشجویان و انسانهای آزادیخواه را فرامیخواند که در آستانه سالگرد آبان ۹۸، به هر شکل ممکن دست به اعتراض زنند و خواست محاکمه تمامی عاملین و آمرین کشتار آبان را با صدای رسا فریاد زنند. آبان صدای سرنگونی طلبی مردم ایران

گلویشان حبس شده بود را فریاد زدند. دانشجویان و جنبش دانشجویی نیز بخش مهم و جدایی ناپذیر از خیزش آبان بود که در شهرهای مختلف هم در فضای دانشگاه به همبستگی مبارزات توده ها پرداخته و هم در قامت جنبشی پیشرو نقش سازماندهی بخشی از مبارزات خیابان و محلات را بر عهده داشتند.

دانشجویان و جنبش دانشجویی همواره در افق سیاسی کشور نقش و جایگاه ویژه ای داشته و با رویکرد آزادی خواهانه و در جهت خلاصی از بندهای سرمایه داری، سرکوب و فلاکت موجود، اقدامات پیشرویی را انجام داده و از آبان ۹۸ به بعد هم راستا با فضای سیاسی جامعه ادبیات و کلام سیاسی رادیکالتری را در پیش گرفت. آبان ۹۸ همچنین برای دانشگاه هم وزن با جامعه گام بلندی در مبارزات دانشجویی در چهار

در پی قیام سراسری در آبان ۹۸ که علیه تبعیض، بی حقوقی، سرکوب و کشتار سیستماتیک و در واقع علیه کلیت جمهوری اسلامی شکل گرفت، حکومت جنایتکار اسلامی بیش از ۱۵۰۰ نفر از معترضان و اکثرا جوانان مبارز را به قتل رساند و هزاران نفر را زخمی، بازداشت و زندانی کرد. طی این جنایت و کشتار حکومت، آبان به ماهی برای دادخواهی و یادآوری مبارزه تا سرنگونی حکومت اسلامی تبدیل شد. آبان فقط ماه گرمی داشت کشته شدگان قیام سراسری نیست، بلکه ماهی برای یادآوری دوباره خواست عموم مردم در راستای سرنگونی جمهوری اسلامی است.

آبان ۹۸ ماهی بود که عرصه های مختلف مبارزاتی و عموم جامعه علیه جمهوری اسلامی بپا خواستند و به رادیکالترین شکل فریاد انقلاب و سرنگونی طلبانه ای که چهل سال در

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: رضا مرادی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.

از مدیای اجتماعی حزب

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiran اینستگرام: www.instagram.com/wpi91 تلگرام: [telegram.me/wpi_hkki](https://t.me/wpi_hkki) شماره اپ و تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

به یاد ریحانه جباری عزیز که روز سوم آبان اعدامش کردند



ریحانه جباری دختری که شجاعانه در مقابل جنایتکاران ایستاد، سر خم نکرد و در مخوفگاه گوهردشت کرج در سوم آبانماه ۱۳۹۳ بعد از تحمل هفت سال حبس به دار آویخته شد.

ریحانه بارها به بیدادگاههای جمهوری اسلامی فراخوانده شد و هر بار استوارتر از قبل در مقابل دستگاه قضایی رژیم ایستاد و با نوشته های عمیقی سیستم جنایتکارانه قضایی را افشا کرد.

« من ریحانه جباری بیست و شش سال دارم اکنون در چند قدمی مرگ بسر میبرم . مرگی که قاضی تردست برایم رقم زد . از مرگ نمیترسم که بارها در عین زندگی مرگ را تجربه کرده ام . اما تحمل بی عدالتی از مرگ هم دشوارتر است . »

اعتراض به حضور جمهوری اسلامی در نمایشگاه جهانی کتاب فرانکفورت

روز یکشنبه ۲۴ اکتبر در آخرین روز نمایشگاه جهانی کتاب در شهر فرانکفورت جمعی از مخالفان جمهوری اسلامی روبروی غرفه رژیم آدمکشان اسلامی در داخل سالن دست به تجمع و اعتراض زدند. معترضان با در دست داشتن عکس های اعدام شدگان از جمله نوید افکاری و پلاکاردهایی که بر روی آن بایکوت رژیم نوشته شده بود، ضمن صحبت های کوتاه، با صدای بلند اعلام کردند که جمهوری اسلامی رژیم ترور و اعدام است.

#جمهوری_اسلامی_نابود_باید_گردد
#بایکوت_جمهوری_اسلامی
#نه_به_جمهوری_اسلامی



انتخابات عراق آزمون برای شکست رژیم جمهوری اسلامی ایران

رویدادها باشد . فرصت ها هر روز برای رژیم کمتر و کمتر میشود. تنها امید رژیم به مهار خشم مردم از طریق سرکوب و باز هم سرکوب میباشد . سیر تحولات در سالهای گذشته اما با تشدید اختلافات درون حکومت و ناراضیاتی وسیع بدنه نیروی سرکوب روبرو شده و توان سرکوب خیزش های بزرگ مردمی روز بروز کمتر شده است.

حمید صداقت

های وابسته به خود در داخل کشور و در منطقه تاکنون قادر به حل کوچکترین مشکلی و باز کردن گرهی از مشکلات و کلاف های بهم پیچیده رژیم نشده است . در نتیجه رژیم مجبور به پرداخت هزینه های هر چه سنگین تر در پافشاری و اصرار به ادامه این سیاست است . تداوم این وضع و گسترش بیکاری تورم و فقر مردم و ناامیدی جوانان دیر یا زود منجر به تکرار آسانی بمراتب بزرگتر از آبان ۹۸ میشود که معلوم نیست رژیم قادر به سر بلند کردن از پس این حوادث و

بعضی میادین مهلت هفتاد و دو ساعته ای به دولت عراق داده اند تا نتیجه انتخابات را به دلیل تقلب باطل اعلام کند.

تنگ آمدن قافیه به جریانات وابسته به جمهوری اسلامی چه در عراق و چه در لبنان و سوریه طی یکی دو سال گذشته اوضاع را تا همینجا به زیان حکومت تنگ و دشوار کرده است . این در حالی است که رژیم زیر فشار تحریم ها، گسترش فقر و ناکارآمدی نهادها دستگاه ها وسازمان

از جانب طرف های پیروز انتخابات که بیشترین آراء را دارند مبنی بر اینکه عراق تنها به یک ارتش ملی نیازمند است و نه چندین نیروی نظامی و شبه نظامی موازی؛ با مخالفت جریانات حشد شعبی با اصل انتخابات و ادعای تقلب در انتخابات مواجه شد که خواهان باطل اعلام کردن نتایج رای گیری شده اند. در پی پافشاری بر این خواست گروه های شکست خورده انتخابات وابسته به جمهوری اسلامی مبادرت به نمایش خیابانی و اردو کشی کرده و با بستن برخی راهها و اشغال

شکست احزاب دست نشانده جمهوری اسلامی در انتخابات پارلمانی عراق که با قوانین و مقررات جدید این بار برگزار شد، موجب شکست شدید احزاب و جریانات نزدیک به جمهوری اسلامی در راهیابی به پارلمان عراق و ایفای نقشی در دولت آینده و سیاست گذاری های آینده دولت عراق شد. به همین دلیل احزاب وابسته به جمهوری اسلامی که احزاب اصلی حشد شعبی را نیز تشکیل میدهند با دیدن این وضعیت و پیامدهای آتی شکست انتخاباتی خود و زمزمه خلع سلاح حشد شعبی

ادامه از مدیای اجتماعی حزب از صفحه ۱۱

آتنا شجاعانه ایستاده است



رامین صفرنیا وکیل آتنا دائمی در توئیتر خود نوشت: "امروز در زندان لاکان رشت با موکلم خانم #آتنا_دائمی ملاقات کردم. با پیگیری هایی که در اجرای احکام اوین و رشت انجام دادم: ۱. ممانعت از تماس تلفنی برطرف نشده است ۲. موکلم مدت ۶۷ روز است از داشتن کارت تلفن محروم می باشد ۳. دستوری مبنی بر برقراری تماس با حضور مامورین در پرونده موجود نیست."

آتنا نمونه ای از مقاومت یک جامعه بیخاسته برای رهایی و برابری است. باید با تمام قوا از او در مقابل سیستم ظالمانه قضایی دفاع کرد.

آتنا دائمی به اتهام فعالیت های مدنی هفت سال پیش در تاریخ ۲۹ مهر ۱۳۹۳ توسط ده مامور مرد و یک زن ربوده شد و

وحشت حکومت در آستانه سالگرد قیام آبان و استقرار سپاه در محلات



محلات توسط عوامل جمهوری اسلامی البته طرح جدیدی نیست و پیش از این نیز نیروهای سرکوب سپاه تحت عنوان های متفاوت سعی کرده است کنترل و سرکوب را از محلات تشدید کند چرا که در اعتراضات اخیر و مشخصا قیام آبان محلات نقش مهمی در هماهنگی و سازماندهی معترضان داشته است.

انقلاب زنانه

در آستانه فرا رسیدن سالگرد قیام آبان و کشتار هزاران نفر از معترضان توسط نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی، امین توکل زاده معاون اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران خبر از استقرار نیروهای سپاه و قرارگاه خاتم الانبیا در محلات تهران می دهد که به گفته او «هدف از این اقدام، برعهده گرفتن نقش کفالت اجتماعی» یا ایجاد رفاه و امنیت اجتماعی توسط این عوامل ضد رفاه و امنیت جامعه عنوان شده است.

این سیاست تشدید سرکوب از

مصاحبه تلویزیون کانال جدید با حامد اسماعیلیون در نمایشگاه کتاب برلین



در روزی که جمعی از ایرانیان آزادیخواه در جریان برگزاری نمایشگاه فرانکفورت نسبت به حضور نمایندگان جمهوری اسلامی، مصاحبه کوتاهی با حامد اسماعیلیون، سخنگوی انجمن خانواده های جانباختگان پرواز PS752 انجام شده است. این انجمن در نمایشگاه کتاب اسلام غرفه ای دارند که توجهات زیادی را به خود جلب کرده است. گفتگوی کامل این مصاحبه را می توانید در سایت تلویزیون کانال جدید گوش دهید.

گزارشگر: آوا میرسالاری
یکشنبه ۱۲۴ اکتبر ۲۰۲۱

کنگره دوازدهم حزب کمونیست کارگری در دسامبر ۲۰۲۱ برگزار خواهد شد!

به اطلاع میرسانیم که کنگره دوازدهم حزب کمونیست کارگری از روز سوم تا پنجم ماه دسامبر ۲۰۲۱ (۱۲ تا ۱۴ آذر ۱۴۰۰) به صورت علنی برگزار خواهد شد و بطور زنده از تلویزیون کانال جدید و همینطور پلتفرم های مختلف مدیای اجتماعی پخش خواهد شد.

با توجه به وضعیت ویژه ناشی از بیماری کوید ۱۹ این کنگره به صورت آنلاین برگزار خواهد شد. کنگره متشکل از نمایندگان منتخب اعضای حزب، بالاترین ارگان سیاستگذاری و مرجع انتخاب کمیته مرکزی حزب است. کنگره بهترین فرصت برای آشنایی با فعالیتها و سیاستها، رهبران و فعالین و مناسبات درونی حزب کمونیست کارگری است.

کنگره دوازدهم هم به روال همیشگی به روی عموم باز خواهد بود و از احزاب، رسانه ها و شخصیتهای مخالف جمهوری اسلامی و فعالین جنبش های اعتراضی برای حضور در کنگره دعوت به عمل خواهد آمد. از آنجا که کنگره دوازدهم حزب به صورت آنلاین برگزار می شود بیش از همیشه این فرصت برای همه اعضا و دوستاناران حزب و همه مردم فراهم است تا ناظر و میهمان کنگره دوازدهم حزب باشند. ما همه مردم آزاده را به شرکت در کنگره حزب فرا میخوانیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ مهر ۱۴۰۰، ۶ اکتبر ۲۰۲۱

آئین نامه انتخابات کنگره دوازدهم حزب کمونیست کارگری ایران

مصوب هیئت اجرایی حزب

- ۱ - انتخابات در دو مرحله انجام میگردد، سراسری و محلی. ابتدا انتخابات سراسری و بعد از روشن شدن نتایج، انتخابات محلی انجام میشود.
- ۲ - جمع نمایندگان کنگره ۱۵۰ نفر است. سهمیه انتخابات سراسری ۱۰۰ نفر و سهمیه انتخابات محلی ۵۰ نفر است.
- ۳ - هر عضو حزب میتواند هم در انتخابات سراسری و هم محلی در رای گیری شرکت کند. در انتخابات محلی هر عضو فقط در یک حوزه میتواند رای بدهد.
- ۴ - رای گیری به صورت مخفی و از طریق اینترنت انجام میشود.
- ۵ - در انتخابات سراسری و محلی، نمایندگان با اکثریت نسبی آرا انتخاب میشوند، یعنی کسانی که آرای بیشتری نسبت به دیگران آورده اند انتخاب میشوند. در انتخابات سراسری حداقل آرای لازم برای انتخاب شدن ۲۰ درصد کل آرای دهندگان است. - در صورتیکه تعداد آرای چند کاندید در ردیف های مرزی برابر باشند، همه کاندیداهائی که رای مساوی آورده اند به لیست نمایندگان اضافه میشوند.
- ۶ - انتخابات سراسری در یک مرحله انجام میشود. در صورتیکه تعداد نمایندگان انتخاب شده در انتخابات سراسری کمتر از ۱۰۰ نفر باشد (یعنی کمتر از ۱۰۰ نفر صاحب حداقل ۲۰ درصد آرا شدند) بقیه سهمیه سراسری به سهمیه تشکیلاتهای محلی اضافه خواهد شد.
- ۷ - در انتخاباتهای سراسری و محلی اعضا میتوانند به تعدادی کمتر از تعداد سهمیه رای بدهند، اما رای دادن به تعداد بیشتر مجاز نیست.
- ۸ - کل پروسه انتخابات زیر نظر هیئت اجرایی حزب صورت میگردد. هیئت اجرایی مرجع بررسی شکایات احتمالی از نحوه برگزاری انتخابات است.
- ۹ - "کمیته برگزاری انتخابات کنگره" از طرف هیئت اجرایی مسئول مستقیم سازماندهی انتخابات است.

هیئت اجرایی حزب

۱۴ اکتبر ۲۰۲۱، ۲۲ مهر ۱۴۰۰

پیامهایی از ایران به کنگره دوازدهم حزب کمونیست کارگری پیام مادر دادخواه، کارگر نفت، هفت تپه، بازنشسته، معلم، رنگین کمانی و فعال اجتماعی

من یک مادرم

سلام، من یک مادرم. زنی مسخ هستم. از وقتیه بچه بودم نابرابر را درک میکردم من ظلم را باها را کشیده ام و قتر بعد از کار طاقت فرسا سهم ناچیز را از مصول به ما مر رسید اما همان هم نصیب خودمان نبود لرباب ها با کمال پرویز همیشه شریک سفره ما بودند و ما مجبور بودیم غذایمان را برایمان بگذاریم و چهارگرم خواب مان را به آنها بدهیم من همیشه اعتراض داشتم نمردانستم چه کار می توانم بکنم فقط تلاش می کردم به دیگران هم بفهمانم که نباید ظلم را تحمل کرد همیشه درباره این نابرابرها با دیگران صحبت می کردم می گفتند چرا باید حق ما را بفرورند؟

وقت انقلاب شد خوشحال بودیم در تظاهرات شرکت می کردیم به امید آنکه ریشه ظلم کنده شود. اما سهم ما همان فقر و گرفتاری روزانه شد. من از مادران دهه ۶۰ هستم که پشت در زندانها چه کشیدیم زور می گفتند و گردن کلفت می کردند.

ما مردانستیم بچه هایمان برادر دفاع از حق مظلوم زندانند و شکنجه میشوند. خیلرها زیر شکنجه کشته شدند خیلرها اعدام شدند و صحرای جنازه بچه ها را تصویل مادران نمودند و چه کسر از دل خون مادران خبر داشت جمعه ها خاوران چه معشر بود مادران را راهها دور هر کدام دو تا سه تا پنج تا بچه ها شونو کشته بودند و مادران اون دوران را تحمل می کردند چون مردانستند بچه ها برادرها فرزند گیشان را گذاشتند من سر می کردم همدم مادران باشم به آنها کمک کنم تا اونجا میر که از توانم مر آمد. نابود در ظلم و نابرابر آرزو همه بچه ها بود که شکنجه شدند و کشته شدند و مادران که عذاب کشیدند و داغدار شدند و لرخته نشدیم و امید داریم هر چند کار زیاد از من بر نیاید فقط با دیگران در باره حقایق صحبت می کنم تا وقتیه بترسیم حقایق را می فرورند

از این کنگره مر خواهیم که درست عمل کنید با فکر باز عمل کنید تا حقیق رو از اینها بتوانیم بگیریم و به خاطر اینهمه ظلم که کردند ما که شون جوبانگور این همه تلفات و عذاب کشیدنها و جنایتها شون باشند

ایمن آرزو من

برادر همه شما آرزو موفقیت می کنم

رفسانه ریحانه

ما جمعی از اعضای حزب در شهرهای غرب کشوریم

با سلام‌ها گرم به همه رفقا حاضر در کنگره و همه اعضای حزب در خارج و داخل. بسیار خوشحالیم و بر خود مر بالیم که در این مجال به عنوان اعضای داخل حزب پیام خود را به کنگره می‌فرستیم. ما بفرد حق می‌دهیم که سرفرازان اعلام کنیم که حزب علاوه بر نفوذ اجتماعی بغاظر داشتن اعضای فراوان متشکل و سازمانیافته لشد در حضور و نفوذ مردمی شده است. این واقعیت است که رییس کمیسیون امنیت مجلس خود حکومت نیز ناچار به اعتراف شده که این حزب، حزب سازماندهی اعتراضات است.

ما امروز اعلام می‌کنیم که حزب از نظر تشکیلات و سازمان قوی و گسترده شده است. حتما جریانات و اشخاص هستند که چنین ادعای از جانب ما را خود بزرگنمایر میدانند. ما چنین مخالفان را سلب است می‌شناسیم و حاشیه امر بودخ آنها را در تصولات دیده ایم. بگذارد کنار گود بنشینند و در ماندگر و بر عملر خود با حملات هیستریک به ما جبرناخ کنند. جریاناتی که تولخ و اراده تأثیر گذار در تصولات درون جامعه نداشته باشند، بر لابر از وجود نیاز به چنین حملات دارند. ما حضور تشکیلات و سازمان خود را هر روز در اعتصابات و اعتراضات و تجمعات با در دست داشتن پرچم هدایت آنها اعلام می‌کنیم و سیاستها و تئورهای حزب را به عمل در مر آوریم. حزب در داخل قدرتمند و سازمانیافته است. پسر رفا به پیشتر جمع‌های از اعضای حزب در شهرهای غرب کشور.

من کارگرنفت هستم

قبل از هر چیز تشکر می‌کنم از حزب کمونیست کارگر که همواره صدای اعتراض ما کارگران نفت را انعکاس داده و به بهترین شکل همراه و حامی ما بوده است. از جمله موشکافانه مسایل ما را دنبال کرده و به معضلات گره‌مقابل راه‌ماخ جواب داده است. از کنگره حزب کمونیست کارگر در خواست داریم که به عنوان یک قرار تصویب کند که با توجه به اهمیت و جایگاه اعتراضات در نفت به عنوان یک مرکز کلید کارگر حزب بر حمایت همه جانبه از مبارزات ما کارگران نفت ادامه دهد و این کار را همچنان در لیست اولویت‌ها خود قرار دهد.

ما کارگران شاغل در مراکز نفت که سالها طولانی در فشار خفقان‌یادگانر نفت بسر برده ایم بیستریخ نیاز را به حمایت شما دوستان و انعکاس صدای ما در کانال جدید و رسانه‌های حزب و در سطح جهان داریم. ما در این مدت دستاوردهای بزرگ داشته ایم و توانسته ایم از شرکت‌های پیمان‌ز لالو صفت امتیازاتر بگیریم. ما هر چند که هنوز در ابتدا راه هستیم و لرم سیر را پیدا کرده ایم و فقط به نیرو و اتحاد خود تکیه داریم و باید بتوانیم صفت خود را متحد نگاه داریم. من همینجا لازل همه همکارام در نفت و لازل همه کارگران

ادامه پیام‌ها به کنگره حزب از صفحه ۱۵

میفرواهیم که به حزب کمونیست کارگر رپیونند. به کنگره حزب کمونیست کارگر که بطور واقع کنگره ما کارگران است پیام دهند. از اعتراضات و از انتقادات خود بنویسند. کنگره علنی است و میتوانیم همزمان مباحث کنرادنبال کنیم. در خاتمه مع بعنوان یک کارگر نفت از حزب خود انتظار داریم که همچنان حاضر ما کارگران نفت باشد و جدا و اعتراضها را به جهانبین برسانید.

کیان رضایر
با تشکر

من کارگر نفت هستم

برگزیدار کنگره دوازدهم حزب را تبریک میگویم. مع یک کارگر نفت هستم و نقش و جایگاه حزب، بویژه نقش رهبر کننده آن از طریق رهنمودها و عمل و سیاست‌ها روشن و شفاف آن و نیز بقا گیر رهم جانب تلویزیون کانال جدید در این جهت را در مبارزاتمان و بطور واقع در جنبش اعتراض کارگر ما تمام وجود لمس و تجربه کرده‌ام. از جمله پوشش و تیغ مسائل کارگر در برنامه‌ها تلویزیون و میزگردهای که بر سر موضوعات گره مبارزات ما کارگران نفت و جنبش کارگر برگزار میشود و پوشش خبر مبارزات ما و کل جامعه نمونه‌ها مبارز از آن است.

دوستان، افتخار میکنم که عضو این حزب هستم و بطور بویژه بفاطمه نقش مهمی که حزب ما در انعقاد جدا و اعتراضها کارگران نفت در سطح جامعه و حتر بین الملل داشته سپاسگزارم. دوستان، ما کارگران نفت سالهاست که بفاطمه وجود پیمانکاران بر رهم و چپاولگر و نداشتن کوچکترین امنیت شغل و نیز بفاطمه قوانین برده و از مناطق ویژه اقتصاد و کار در زیر شدیدترین فشارها و استثمار و حسیانه و فشار اطلاعاتی - امنیتی حاکم بر مراکز نفتی جهانمان به لب رسیده است. امروز همه صرف ما اینست که دیگر بر است و بیست از این حاضر به قبول این توهم و بردگر نیستیم. همانطور که همگان در جریان قرار دارند ما کارگران سالها بر جنب و جوئ و پیر از اعتراض داشته ایم و هم اکنون مراکز نفت در تحرک و اعتراضها است. کوتاه شدن دست پیمانکاران و لغو قوانین مناطق ویژه اقتصاد و خواست کلید ما است. ما کارگران نفت همچنان انتظار بیشتریستیم و پشتیبانها را از شما عزیزان داریم. دوستان، این کنگره در شرایطی برگزار میشود که همه شواهد بر در راه بودن انقلاب دیگر در آینده امر نزدیک دلالت میکنند. به امید اینکه کنگره بیشتر پیروز ما کارگران و کل جامعه بر سرها شدن از بختک جمهوری اسلامی باشد. همین جا صحبت مع با همکارانم و با همه کارگران است. دوستان، حزب کمونیست کارگر حزب همه ما است. در کنگره آن شرکت کنید. بگذارید که این کنگره تربیونر باشد که جدا ما کارگران و ما مردم به جان آمده در این راه هر چه راستر انعقاد دهد.

آر شریزار

ما جمعی از بازنشستگان هستیم

ما یک جمع بازنشسته ایم. بازنشستگان معتزله و در صف یکشنبه‌ها اعتراض‌کننده‌هاست که فریاد زدیم در مانع رایگان حق مسلم ماست. حقوق‌های نجومی، فلاکت عمومی، زندانی‌سیاسی‌ها آزاد باید گردد، فقط کف خیابان بدست میاد صمغ. بله ما پیام بازنشستگان از کف خیابان به کنگره حزب کمونیست کارگر هستیم. با مسعلا که حزب بدست ما بازنشستگان داده، هر روز بیشتر جلو رفته و پاسخ گرفته ایم و امروز صف اعتراض‌کنندگان بزرگ و بنیاد کف است. دوستان داریم و آرزو کنگره لاس را داریم که لاف با هم روشنتر بر سرهای لاس از حکومت سرمایه داری و سر و به غایت ارتجاع و دزد و جنایتکار در مقابل همه قرار دهد. ما مردم فقر و گرسنگی و تبعیض نابرابر نمی‌خواهیم. یک زندگ در شاخ انسان می‌خواهیم و کنگره حزب کنگره ماست که این آرزوهای انسان و سوسیالیسم را نمایندگر میکند. ما به نوبه خود تلاش می‌کنیم که دوستان هر چه بیشتر را با این حزب آشنا کنیم. همه صرف ما به مردم در این مقطع حساس از مبارزه اینست که به این حزب پیوندند. حزب اعلام کرده است که کنگره علنی است. از همه کسانی که در دربارند و در جستجوی کار هستند کارستان، اینست که مباحث این کنگره را دنبال کنند.

زنده باد حزب کمونیست کارگر

من یک معلم هستم

برگزیدگان کنگره دوازدهم حزب را تبریک می‌گویم. من یک معلم هستم. سال‌هاست با کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگر در تماسم. بفاطمه دارم که در آغوش اولین دوره‌ها را اعتصابات و تجمعات ما عده از جلو افتاده بودند که با عنوان تجمعات سکوت سر داشتند ما آرام بیاییم و برویم. و با شعارهای چون سکوت ما فریاد ماست، ما از فقر نمی‌نالیم، ما از فقر نمی‌نالیم، خودشان اعتراض‌کنندگان سلامت آیمز باشد و موضوع آغ را در چهارچوب همساز ساز حقوقها محدود نگاه دارند. حتی جاهای با صلوات وارد می‌شدند. روزها معلم هم برنامه را می‌گذشتند در پارک‌ها مظهر که در عین حال لیبر هم به نظام داده باشیم. در این میان عده از کنار ایستاده و تماشا می‌کردند و میگفتند که اینها همه کار خود حکومت است و ما بر ربط است. اما من رزمندگ را از حزبم آموختم و یاد گرفتم که حیرت‌افزا باید به کف خیابان رفت و همه اینها را با حضور معتزله خود کنار زد و صرف و جدال با معلم حق طلب را فریاد زد. بدین ترتیب ما با این سیاست که خیابان از آغ ماست وارد کل این ماجرا شدیم و موفق شدیم. ما توانستیم صلوات را از خیابان جمع کنیم. با شعارهای چون هم از فقر می‌نالیم، هم از فقر و با فریاد شعارهایمان از تجمعات سکوت آنها عبور کردیم. بدنه معلم نیز که فقر و تبعیض و اختلاس و بر تاینر را با تمام وجود چسبیده بود به دنبال ما آمد. اینگونه بود که ما خیابان‌ها را تصرف کردیم. شعار معیشت، منزلت، حق مسلم ماست را

ادامه پیام‌ها به کنگره حزب از صفحه ۱۷

به هویت اعتراضی معلم تبدیل کردیم. و با اعتراضات سراسری خود مهر خواست تحصیل رایگان را بر سراسر خواستار کل جامعه کوبیدیم. علیه امنیت کردن مبارزات پیماستیم و خواستار آزاد در همکاران در بند و همه زندانیان سیاسی شدیم. و در ادامه این اعتراضات در همین سال چهارم در بیشتر از ۴۵ شهر به خیابان آمدیم. مع به عنوان یک عضو حزب در قدم به قدم این مبارزه حزب کمونیست کارگر را بر ما بینیم. نکته اینجاست که امروز ما در یک قدم تئیت خواستار سراسر معیشت را صوغ تحصیل رایگان و در مان رایگان برار همه و حق داشتن مسکن هستیم همچنین ما یک نیرو مهم جنبش علیه فقر با خواست افزایش حقوقها به بالای ۱۲ میلیون هستیم. از حزب کمونیست کارگر انتظار داریم در این مقطع حساس مبارزه همچنان پشتیبان و چراغ راه ما باشد.

زنده باد حزب

رها مبتکر معلم از ایران

من کارگر نیشکر هفت تپه هستم

من کارگر نیشکر هفت تپه هستم و از طرف خود و سه نفر از دوستانم برگزیده رکن کنگره را تبریک میگویم. ۵ سال است که علیه بساط بانده مافیای لاسدیگر و در دفاع از زندگی و معیشت ما در جنگ سخت بسر میبریم و حزب کمونیست کارگر همیشه در کنار ما بوده است. راهنما ما بوده است. صدای اعتراض ما در میان مردم و در سطح جهان بوده است. برگزیده رکن کنگره را مناسبتر میبینیم که صمیمانه از شما عزیزان و از اینک جمع بالایی از برنامه‌ها و تلویزیون کانال جدید به انعکاس اعتراضات ما و همبستگی با ما اوضاع را داشت تشکر و سپاسگزار کنیم.

دوستان ما در نبرد که ۵ سال است به پیش میبریم تا همین جا موفقیت‌ها را میسر داشته ایم. ما موفق به ضلع بد از بانده لاسدیگر و کشیدن این دلار و دست مافیای به پشت میز ما که شدیم. ما گفتیم که مالکیت شرکت تحت نظارت شورایی باشد و وقت با مانع تراشها رو برو شدیم خودمان وارد عمل مستقیم شدیم. دست به کار مدیران فاسد شدیم. در شورای اسلام را گل گرفتیم و انحلال عملی شورای اسلام را اعلام کردیم. مجمع نمایندگان منتخب مجمع عمومی ۵ هزار نفره خود را به عنوان ابزار اعمال نظارت شورایی اعلام کردیم و امروز در موقعیت بسیار قویتری پیگیر مطالباتمان هستیم و آخرین پیشرفت ما بازگشت بکار دو نفر از همکاران اخراجی طلبه گر و تمدید قراردادها همکاران فصلی و غیر نیشکر ما است. ما با این قدرت پیگیر مطالبات پاسخ گرفته خود هستیم. دو همکار اخراجی دیگر ما اسماعیل بخش و بیرون سالار هنوز به کار بازنگشته و ما مصمم به ادامه اعتراضات بازگرداندن این دو عزیز و مفتومه اعلام شدن پرونده خانم فرزانه زیلابر و کیل دلسوز خود و دیگر مطالباتمان هستیم.

ادامه پیام‌ها به کنگره حزب از صفحه ۱۸

دوستان تشکل مبعوع عموم و مبعوع نمایندگان منتخب لایخ تجربه ایست که در هفت تپه کار آیر خود را به روشنی نشان داد و موضوعیت دارد که کنگره بر تقویت لایخ تشکل مؤثر سازماندهی کارگر را تأکید کند.

دوستان ما در شورای اسلام را گل گرفتیم و آنرا منحل اعلام کردیم. جا دارد کنگره بر انجام لایخ کار در سطح سراسری بیرون انداختن نیروها و سرکوبگر حکومت از محیط‌ها کارگر را تأکید بگذارد.

و بلاخره اینکه دوستان ما در لایخ مسیر پر از دست انداز مبارزه با کمونیسم و با حزب آتشنا شدیم. نوع دیگر از کمونیسم را تجربه کردیم. کمونیسم دخالنگر و حاضر در میدان عمل، کمونیسمی که در نبرد تن به تن تکلیف راست و چپ را روشن میکنند و قلب جامعه را با خود درازد. دوستان شما همیشه از در سهار نیسگر هفت تپه برادر جنبش کارگر سوکل جامعه حرف میزنید. جا دارد که ما هم از در سهار حزب کمونیست کارگر و نقتر راهبر در اشری گوئیم.

کارگران، حزب کمونیست کارگر حزب همه ماست. به لایخ پیوندید. از دردها و مشقات و انتظار استیخ برادر کنگره را که در پیتر است بنویسید. کنگره حزب در پیتر است و می‌توانید مباحث آنرا دنبال کنید. زنده باد حزب کمونیست کارگر

مرتضی صیدرسو دوستان - ۲۶ اکتبر ۲۰۲۱

من یک رنگین کمانی هستم

خطاب به کنگره حزب کمونیست کارگر

من یکر از اعصار خانواده رنگین کمانیها در ایران هستم. کسر که از ابتدا در کم نسبت به انتخاب جنس خودم از هر طرف تصکت فشار بودم. حتی از خودم باید مضر می‌کردم. انقدر تعقیب شدم و آزار دیدم که شاید برادر هیچکس قابل تصور نباشد. به زور می‌فولاستند و اذالم کنند تغییر جنسیت بدهم. به خاطر نازک بودن صدایم و به خاطر تمایل به رنگ‌ها رشاد چنان عزایبر را متحمل شدم که سه بار اقدام به خودکشی کردم. به زور و عذر رخم میل خودم از دواج کردم و بچه دار شدم. فرزندم هم تصکت فشار است. او را هم تعقیب میکنند که پدرت صدایر نازک و زنانه دارد. خودم را در مقابل فرزندم گناهکار میدانم. صدایم را بشنوید! فریاد گره شده در گلویم باشید. حزب کمونیست کارگر باید بتواند حقوق من را به عنوان یک رنگین کمانر نمایندگر کند و حق مرا طلب کند. انتظار من از شما لایخ است که تلاشتان برادر دگرگونر جامعه ایران را دو چند لایخ کنید. از طریق تلویزیون شما امیدم به انسانیت و شهادتم برادر بلند کردن صدایم بیشتر شد. بر لایخ کنگره ضویر از زو می‌کنم.

یک رنگین کمانر از ایران

ادامه پیام‌ها به کنگره حزب از صفحه ۱۹

ما جمع یک دنیای بهترییم!

برگزار کردیم کنگره حزب کمونیست کارگر ایران را به همه انسان‌ها شریف و آزادبخواه؛ به همه کمونیست‌ها و به طبقه کارگر ایران تبریک می‌گوییم!
رفقا سلام

بسیار خوشبختیم که در چنین روزهای پرالتحاب جامعه ایران با برگزار هر چه باشکوه‌تر این کنگره خود را برانبردن‌ها با سیاه‌ترین حکومت سرمایه‌آماده می‌کنیم. این کنگره صف آرای کل جنبش‌اعتراف‌مردم ایران است و ما در تمام عرصه‌ها مبارزه از معلمان تا بازنشستگان؛ از زنان تا جنبش‌علیه‌اعدام؛ از صف‌دوخواهر تا کودکان کار ریشه‌دوانده ایم. این کنگره طنین کوبنده‌گام‌ها را طبقه کارگر ایران است که پرچم‌ها را برافراشته است.

ما از حزب‌مانش‌آموختیم چگونه یک انسان را از چند قدم طناب در نجات دهیم. ما جواب‌اعتراف‌گیر و مستند ساز‌ها را ننگین حکومت را در خیابان فریاد زدیم: «مستند؛ شکنجه دیگر لائبرال‌ها را با این‌ها به یک دنیا بهتر که می‌تواند پاسخ تمام معضلات جامعه ایران باشد خود را به منشا لائبرال‌ها در اعتراضات بدل کردیم و سنگ‌ها را در جنگ با حکومت تجاوز، شکنجه، اعدام فتح کرده ایم. ما به سهم خود در شکل‌گیری جهت‌دهی مطالبات معلمان و بازنشستگان نقش‌آسار داشته ایم. ما در برافراشته شدن هر چه باشکوه‌تر پرچم اول ماه مه و هست‌مارس نقش‌آسار داشته و صد‌ار سنگ هفت‌تپه را راس‌تر کردیم. گاه حکومت ننگین جمهوری اسلام را به غلط کردن انداختیم و جای‌ها را برانبرد‌ها را بعد از متشکل‌تر شدیم. گاه در خیابان؛ گاه در طوفان‌ها را توپ‌تر سوگام در زندان دست‌بر آتش داشته ایم. در کمیسیون‌ها را در سانس‌ها تا سواد آموز حضور داشتیم و در کمک به مهاجرین و دفاع از حقوق انسان‌ها تلاش کردیم. از آنجا که انقلاب ایران رنگ‌زنانه دارد و حضور زنان در تمام عرصه‌ها را اعتراف‌نماد شکست‌آپار تاید جنبش جمهوری اسلام بوده است؛ ما در زنانه شدن صف مقدم اعتراضات نقش‌آسار داشته و از آغ‌صمیمت کرده ایم.

در دفاع از ورزش‌زنان و حق‌آزادان زنانه و دفاع از جنبش‌رنگین‌کمان‌ها شریف‌بوده ایم. ما دختران انقلاب را تقویت کرده ایم و صد‌ار قربانیان تجاوز شده ایم. ما توانستیم تابو‌ها را زیاد‌تر را در جنبش‌ها را مبارز‌تر بشکنیم. رد‌ها را در بیشتر بیانیه‌ها و کنش‌ها را سیاسی‌داخل ایران نمایان است از بیانیه آزادان شکایت از خامنه‌ای علیه کشتار جمعی کرونا، می‌توان دید.

در نقش‌بستن شعار «مهاکمه آمریخ و عاملین» جنایت‌ها را حکومت و فریاد «نه مر بفسیم و نه فراموش می‌کنیم» بر پرچم‌دوخواهر لائبرال‌ها بوده ایم. در کمک‌رسان‌به خانواده‌ها را زندانیان سیاسی و بلند کردن صد‌ار اعتراضات آنها تلاش کرده ایم. و در یک کلام هر کجا اعتراض‌هست پرچم یک دنیا بهتر را برافراشته ایم و حاصل‌نبرد‌ها را هر روزه مان این است که ما در فضای سیاسی‌داخل ایران‌ها و مکان‌ها را داریم. ما جمع یک دنیا بهتریم!

ادامه پیام‌ها به کنگره حزب از صفحه ۲۰

من یاشار سهندی هستم

با درودها سر در بیغ

رفقا

گفتن ندارد که ما در چه موقعیت مهم تاریخی هستیم و به نظر من پراتیک حزب بر متن تزی که در دو ساله اخیر مطرح بوده یعنی "در مقابل حکومت ما نماینده کل جامعه هستیم و رو به جامعه نماینده طبقه کارگر" یعنی وقوف بر همین امر.

"تفنگها به طرف بورژوازی خود را" این بیتر از آنکه یک شعار باشد یک تز تاریخی بود، شاید مهمتر از تزها را آوریل که لنین ارائه داد. درست تر بگویم بر مبنای این شعار تزها را آوریل شکل گرفت و بدشویکها نهایتاً توانستند قدرت سیاسی را به کف آورند. به نظر من تزی که حمید تقوایر ارائه کرده در راه اهمیت تاریخی در همان حد تز تفنگها به طرف بورژوازی خود را لنین است. قصد از این مقایسه نه آنچنانکه که مارکس مرگت مدد گرفت از ارواح گذشته در دوره های اصلاح انقلاب نیست، نام های شاخ را نیز به عاریت نمر گیریم و نمر ضواهییم به زبان عاریتر، بر صحنه جدید تاریخ ظاهر شویم. بار سنت همه نسل ها گذشته با تمام وزخ خود بر مغز ما سنگین نمر کند؛ ما میراث در نسل ها گذشته نیستیم. بد هتکار هیچ جنبش تاریخی نیستیم. ما خود مائیم. ما کمونیست کارگر هستیم که سنگها را خود را از جنبشها که در حاشیه زنده اند و لاکنده ایم و تفاوتها یا شاخ را روشن و شفاف و صریح گفته ایم. ما جنبش هستیم به شدت خود آگاه. اگر در مقام مقایسه باشد بقول منصور حکمت ما را باید با بدشویکها قبل از انقلاب لاکتبر مقایسه کرد آنوقت مشخص میشود که به پشتوانه بیتر از چهار دهه مبارزه نظر و عملی خیلر روشن تر و سرراستر و صریح تر و عملی تر را در کمال تر در صحنه جدید تاریخ حضور داریم و قصد داریم با رنگ انسان زرخ به کتخ تاریخ ساز باشیم.

طرف مقابل، بورژوازی را کاملاً چهره ضد انسان بفرود گرفته است و در پشت شنیع ترین و بر رجم ترین جنبشها را تجاعر قایم شده است. موبایرها و فسیلها را به جلو صحنه رانده اند تا هر چه دستاورد بشر است نابود کرده باشند. حزب کمونیست کارگر را ایراخ اما قصد کرده است همه این جرمونه ها را پلشت تاریخ طبقات را از جامعه بزداید. بر این اساس مهم حزب کمونیست کارگر را ایراخ و عده بعد از سقوط نمر دهد. منتظر نماینده که روز شریسر. بلکه همین امروز، همین لحظه، هر جا که دستش برسد و توانش را اجازه مر دهد در مبارزه علیه رژیم اسلام سرمایه که دستبخت بورژوازی جهان است و به هر شکل در این چهار دهه زیر بغلش گرفته پیشگام است. برادر هر چه که منزلت انسان مصوب مر شود در صف مقدم است و به همین سبب چهره انسان به سیاست بغسیده است.

ادامه پیام‌ها به کنگره حزب از صفحه ۲۱

”در مقابل حکومت نماینده جامعه هستیم“ در جایز مطرح می‌شود که از سوی کرامت و منزلت انسانر جامعه به طرز وسیع و همه جانبه ابرنابود شده است. حکومت از گور برخاسته جمهوری اسلامی حیاتی‌ترین به نفع و نبود در شرافت انسانر وابسته است. در این زمینه اصلاً کوتاهی نکرده است. و از سوی دیگر در تکمیل نبود منزلت انسانر، این حکومت معیشت ۹۹ درصد جامعه را امروز بیشتر از دیروز روبه نابود رسوق داده. هر بفسر از جامعه به دلیل در میدان مبارزه است با نفرت عمیق از جمهوری اسلامی؛ که به واقع این نفرت، نفرت از سرمایه است و این حکومت نماینده اسلامی است.

اپوزیسیون راست معیشت مردم مسئله اشرنیست تنها خواستار طلوع بامداد این از پشت رشته کوه‌ها ر فلات ایران است! و منزلت را در دایره هارسرتنگ محدود می‌سازد، در حد اعتبار پاسپورت! به همین سبب نمی‌تواند نماینده کل جامعه در مقابل حکومت باشد. جامعه ایران تشنه رسیدن به موقعیتر است که شایع و منزلت انسانرها به ضفامت کیف پول و پینه پیشانر ریاکاران بستگر نداشته باشد. حزب کمونیست کارگر ایران سوسیالیسم اشر را بازگشت به انسانر و ره‌هایر انسانر تعریف کرده و عملاً آنرا پراتیک می‌کند.

”رو به جامعه نماینده طبقه کارگر هستیم“؛ بر هیچ توهمر حزب کمونیست کارگر خود را حزب طبقه کارگر می‌دانند و طبقه کارگر را طبقه ارمعرفر نمی‌کنند که گویا فقط دنبال منافع صنفی خود است و مبارزه با استثمارگر این را در محدوده کارخانه تعریف نمی‌کند. اگر این طبقه قرار است رها شود باید کل جامعه آزار شود. و بر آزار آزار کل جامعه این طبقه باید نشان بدهد که همه این چیزها ر که نشاط و رفاه یک جامعه را تفسیح می‌کند با مبارزه او ممکن است و حزب کمونیست کارگر این ممکن را نمایندگر می‌کند.

رفقا!

جامعه ایران به شدت تشنه رفاه و منزلت و کرامت انسانر است. کنگره پیشرو باید در راستار تر فوق کار خود را به پیشر ببرد. حال که بالاترین ارگان سازمانر حزب بواسطه اینترنت و رسانه‌ها اجتماعر و ماهواره در دسترس وسیعتر جامعه است این باور باید به جامعه شناسانده شود که حزب کمونیست کارگر ایران نه تنها معیشت و رفاه و منزلت و کرامت انسانر را حق مسلم مردم به رسمیت می‌شناسد بلکه شدت تریح حق می‌دانند.

ی‌شار سهندر - ۲۸ اکتبر ۲۰۲۱

کنگره دوازدهم حزب کمونیست کارگری از
روز سوم تا پنجم ماه دسامبر ۲۰۲۱ (۱۲ تا ۱۴
آذر ۱۴۰۰) به صورت علنی برگزار خواهد شد.

اطلاعیه های حزب

استفاده از مازوت برای سوخت، بازی با جان مردم است

مسئله استفاده از مازوت برای سوخت که موجب آلودگی هوا در بسیاری از شهرها به حد خطرناک و هشدار دهنده شده است، موضوعی است که در دو سال اخیر بسیار داغ بوده است. بطوریکه تنفس این هوای آلوده برای همه گروههای سنی مضر اعلام شده است. در دی ماه ۹۹ بود که مقامات حکومتی از اینکه جمهوری اسلامی برای تامین انرژی نیروگاه و برخی از صنایع از مازوت با گوگرد بالا استفاده می کند و اینکه مازوت تولید شده بالای ۲۰ هزار یا حتی ۳۰ هزار ppm سولفور دارد خبر دادند. از جمله بنا بر گزارشات در سال گذشته در نیروگاه منتظرالقائم سوختی مورد استفاده قرار میگرفت که ترکیبات گوگردش ۱۲۰ برابر بیشتر از حد مجاز برآورد شده بود. گزارشات همچنین از مبتلا شدن مردم بسیاری به مشکلات تنفسی در اثر استفاده از مازوت برای سوخت خبر دادند که اعتراضات بسیاری را هم در پی داشت.

در ادامه این چالش بزرگ امروز دوباره بحث بر سر استفاده

از مازوت و مسئله آلودگی باز هم بیشتر هوا بخاطر پخش گازهای سمی، از جمله در تبریز در جریان است. به گفته خود مسئولان، نیروگاه حرارتی تبریز مدتهاست که از سوخت مازوت استفاده می کند که موجب آلودگی هوای تبریز و شهرهای اطراف از جمله سردرود و خسروشاه شده است. آلودگی هوا به حدی رسیده است که جواد رحمتی معاون عمرانی استاندار آذربایجان شرقی از احتمال تعطیلی ادارات تبریز خبر میدهد. بنا بر خبرها تبریز از نظر موقعیت جغرافیایی و قرار گرفتن در مسیر دود ناشی از مازوت نیروگاه ها، هر سال فقط چند روز را به عنوان روزهای خطرناک اعلام داشته. امسال، بدلیل کاهش بارندگی ها، پیش بینی میشود که آلودگی هوا بیشتر هم خواهد شد. خبرها همچنین از آلودگی محیط زیست بخاطر مصرف مازوت در نیروگاه سهند بناب خبر میدهد.

بنا بر تحقیقات انجام شده در اثر سوزاندن سوختهای فسیلی همچون مازوت که

حاوی گوگرد هستند، ترکیباتی موسوم به SOx منتشر می شوند که بخش بیشتر آنرا SO2 تشکیل می دهد. گوگرد دی اکسید گازی سمی است که برای سلامتی مضر است. این گاز، وزن بیشتری نسبت به هوا دارد و زمانی که غلظت آن در هوا به بیش از ۵۰۰ ppb برسد، بوی بدی خواهد داشت که در این سطح، کشنده است. این گاز در غلظت های پایین تر، درد قفسه سینه، مشکلات تنفسی، قرمزی چشم و افزایش احتمال بروز بیماری های قلبی و تنفسی را به همراه دارد. اثر دوم سوزاندن مازوت و سایر سوخت های گوگردی، تشکیل سولفات ها و نترات ها به شکل ذرات معلق در هواست که این هم به نوبه خود خطر آسم و حملات قلبی و تنفسی را افزایش می دهند. اثر سوم سوزاندن مازوت از منبع انتشار آن فراتر می رود و در این حالت اکسیدهای گوگرد به دلیل واکنش در اتمسفر و محلول در آب، به اسید تبدیل می گردد و طبق شرایط خاص هواشناسی به باران و یا برف اسیدی منجر می شود.

موضوع بر سر کمبود سوخت نیست. موضوع بر سر کسب سود بالاتر از طریق بازی با جان و سلامتی مردم است. و گر نه، ایران بر روی دریایی از منابع سوختی قرار گرفته است. بعلاوه باید بجای منابع فسیلی انرژی، دیگر منابع انرژی از جمله انرژی خورشیدی، باد، انرژی گرمایی اقیانوس ها، انرژی امواج آب و انرژی جزر و مد اقیانوس ها و بیوگاز را بکار گرفت.

استفاده از مازوت برای سوخت بخش دیگری از چپاولگری سرمایه داری حریص و جنایتکار حاکم است. عیسی کلانتری رئیس وقت سازمان حفاظت از محیط زیست جمهوری اسلامی در سال ۹۹ میگوید: پالایشگاه های کشور روزانه ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار بشکه مازوت تولید می کنند. این مازوت تولیدی یا باید صادر یا باید مصرف شود. این جنایتکاران گزینه مصرف را در دستور گذاشته و دارند گازهای سمی را به خورد مردم میدهند. استفاده از مازوت برای سوخت یک جنایات آشکار است و باید فوراً متوقف شود. مسموم

کردن انسانها بخاطر استشمام هوای آلوده و سمی یکی دیگر از جنایات حکومت اسلامی در قبال مردم است که امروز صدای مردم در آذربایجان را بلند کرده است.

مسئله آلودگی هوا در تبریز و شهرهای اطراف، مانند دیگر جاهای ایران، بسیار جدی است. لازم است همین امروز مردم تبریز که از این هوای آلوده تنفس می کنند و جانشان در خطر است، دست بکار شوند و خواهان اقدامات فوری برای رفع این مشکل بزرگ و کشنده شوند. با مبارزه دسته جمعی و اتکا به اشکال مختلف اعتراض، میتوانیم جمهوری اسلامی را وادار کنیم که همین امروز بیشترین امکانات کشور را برای حل مشکلات زیست محیطی بکار گیرد. حق برخورداری از یک محیط زیست سالم و ایمن حق همه مردم است.

کمیته آذربایجان حزب
کمونست کارگری
۲۷ اکتبر ۲۰۲۱

سالگرد خیزش آبان را باید به کابوس جمهوری اسلامی تبدیل کرد - انقلاب زنانه

به دومین سالگرد خیزش سراسری آبان ۹۸ نزدیک میشویم. خیزشی که به کابوس حکومت جمهوری اسلامی تبدیل شد. خیزشی که روند مبارزه برای سرنوشت حکومت اسلامی سرمایه داران، حکومت دزد سالار و مافیایی حاکم بر ایران را به بعد و قبل از آبان ۹۸، تقسیم کرد.

آبان ۹۸ صدای رسای مردمی بود که از گرانی، تورم، دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر، فقر مطلق، فلاکت گسترده، اختلاس ها و سرکوبها به تنگ آمده و به خیابانها آمدند تا حق خود را بگیرند. اما پاسخ حکومت، به قتل رساندن دست کم ۱۵۰۰ نفر با شلیک گلوله به سر و سینه، کشتار در نيزارهای ماهشهر، زخمی کردن هزاران نفر، بازداشت چند هزار نفر و

صدور حکم شنیع اعدام برای برخی دستگیر شدگان در این خیزش سراسری بود. جمهوری اسلامی با سرکوب و کشتاری که در آبان ۹۸ به راه انداخت بار دیگر نشان داد که این حکومت، حکومت جلادان و قاتلان است که برای حفظ خود دست به هر جنایتی میزند.

اما علی رغم کشتاری که جمهوری اسلامی در آبان به راه انداخت، این خیزش نه برای مردم معترض و خانواده های دادخواه و مادران آبان متوقف شد، نه کابوس آبان برای حکومت به پایان رسید.

دو سال پس از آبان ۹۸ همچنان در یک طرف مردم ایران با اعتراضات خود در جنبشهای اعتراض همچون کارگری، معلمان، زنان و دانشجویان

در تلاش و مبارزه برای ادامه خیزش آبان تا تحقق یک انقلاب عظیم برای به زیر کشیدن حکومت اند و در طرف مقابل، جمهوری اسلامی که همچنان در وحشت ادامه خیزش آبان دست و پا میزند و با زندان و شکنجه و اعدام و تحت فشار گذاشتن خانواده های آبان، ضرب و شتم و پرونده سازی و بازداشت آنها تلاش میکند از این کابوس وحشتناک خلاص شود.

در این جدال سخت اما، مادران و خانواده های کشته شدگان آبان بر بستر جنبش دادخواهی راه فرزندان خود را به پیش گرفتند و پرچم دادخواهی، اعتراض علیه جنایات آبان و علیه کلیت جمهوری اسلامی را بلند کردند. این مادران در متاخرترین اقدام خود در مضحکه انتخابات

جمهوری اسلامی با فریاد "رای ما سرنوشتی" به یکی از نقاط عطف جنبش سرنوشتی تبدیل شدند. مادرانی که در میدان "آزادی" تهران فریاد دادخواهی و اتحاد اتحاد سر داده و پاسخ کوبنده ای به حکومت دادند.

در ادامه همین روند، دادگاه مردمی آبان تحت عنوان آبان تریبونال برای رسیدگی به جنایات حکومت اسلامی در آبان ۹۸ برپا می شود و قرار است بیش از دویست شاهد در دادگاه شهادت خواهند داد که شامل خانواده قربانیان، کسانی که هنوز گلوله و ترکش آن سرکوب در تن شان است، برخی شاهدان عینی می شود.

اینک در آستانه دومین سالگرد خیزش آبان ۹۸، جامعه

اعتراضی تر و خشمگین تر از همیشه است و در دل آن امید، انگیزه و همبستگی سیاسی اجتماعی مضاعف تری برای سرنوشتی جمهوری اسلامی بر اتمسفر ایران موج میزند. و همچنان در مقابل و در آستانه سالروز آبان ۹۸ مجدداً نیروهای امنیتی دست به تهدید خانواده ها زده تا مبادا مراسمی برای عزیزانشان برگزار کنند و با زنده نگهداشتن یاد عزیزانشان بر وحشت جمهوری اسلامی بیفزایند.

بدینوسیله انقلاب زنانه ضمن گرامیداشت یاد تک تک کشته شدگان آبان ۹۸ و ضمن اعلام همبستگی با مادران و خانواده های دادخواه آبان، اعلام

ادامه اطلاعاتی ها از صفحه ۲۱

ها و تبدیل دیوارهای شهرها به تریبون آبان ۹۸، نصب پوستر و تراکت "آبان ادامه دارد"، در سراسر ایران و اختصاص شبکه های اجتماعی در اینترنت به آبان ۹۸، بار دیگر بر پیکره جمهوری اسلامی وحشت خواهد انداخت.

۲۹ مهر ۱۴۰۰ - ۲۱ اکتبر ۲۰۲۱

ایران و بزرگداشت جانبختگان آبان ۹۸ برونند تا بار دیگر صدای اعتراض آبان، جمهوری اسلامی را بلرزاند.

برپایی تجمعات و مراسم یادبود جانبختگان آبان، دیدار جمعی و وسیع با مادران آبان و اعلام همبستگی با آنها، گرافیتی کشته شدگان آبان، دیوارنویسی

آزادیخواه، انساندوست و سرنگونی طلب، به ویژه زنان که در تبدیل خیزش آبان به کابوس جمهوری اسلامی نقش رهبری کننده و سازمانده و کلیدی داشتند فراخوان میدهد برای گرامیداشت خیزش آبان ۹۸ در داخل و خارج ایران فعالانه و جمعی به استقبال سالروز آبان و اعتراضات حق طلبانه مردم

سراسر جهان یک فاکتور تعیین کننده برای تقویت جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی و یک امر ضروری و حیاتی برای نجات جان میلیونها مردم به گروگان گرفته شده در ایران در دست این حکومت جنایتکار، است. انقلاب زنانه به همه مردم

می دارد که آزادی بازداشت شدگان آبان، لغو مجازات اعدام معترضین اعتراضات سراسری آبان، و محاکمه سران نظام جمهوری اسلامی و تک تک آمرین و عاملین جنایت رخ داده در آبان ۹۸ و در راس آن شخص خامنه ای، خواست فوری ماست. همچنین اعلام میدارد بایکوت جمهوری اسلامی در

تلخیصی از چند اطلاعیه خبری حزب

سازمان تامین اجتماعی و در شهرستانها در مقابل ادارات این سازمان برگزار خواهد شد.

بازنشستگان یک بخش رزمنده جامعه هستند که به دلیل فشارهای اقتصادی و تبعیضات مدام در حال اعتراضند.

همسان سازی و افزایش سطح حقوقها به بالای ۱۲ میلیون، درمان رایگان، و پایان دادن به اختلاسها و بازگرداندن شدن پولهای به سرقت رفته به صندوق بازنشستگی، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و آزادی فوری همکاران در بند از جمله اسماعیل گرامی که بخاطر شرکت در یکشنبه های اعتراض و طلب خواستههایش به ۶ سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شده است و آزادی همه زندانیان سیاسی از جمله مطالباتی است که در تجمعات

اعتراضی و در قطعنامه ها و بیانیه هایشان همواره بر آنها تاکید کرده اند. بازنشستگان با شعار فقط کف خیابون بدست میاد حقمون بر پیگیری خواستهها و مطالباتشان تاکید دارند. از خواستهها و مطالبات بازنشستگان باید وسیعاً حمایت و پشتیبانی کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران ۵ آبان ۱۴۰۰، ۲۸ اکتبر ۲۰۲۱

تعهدات آیین نامه استخدامی فولاد"

بازنشستگان بخش بسیار معترض جامعه هستند که به دلیل فشارهای اقتصادی و تبعیضات مختلف مدام در حال اعتراضند. همسان سازی و افزایش سطح حقوقها به بالای ۱۲ میلیون، درمان رایگان، و پایان دادن به اختلاسها از جمله خواستههایی است که در تجمعات سراسری بخش های مختلف بازنشستگان اعلام شده است. بازنشستگان فولاد اعلام کرده اند که تا وقتی مطالبات فوری آنها پاسخ نگیرد به اعتراضاتشان ادامه میدهند. بازنشستگان فولاد در اصفهان و اهواز برای پیگیری خواستههایشان هر یکشنبه تجمع میکنند.

فراخوان بازنشستگان تامین اجتماعی به تجمعات سراسری یکشنبه، نهم آبانماه مقابل تامین اجتماعی

بازنشستگان تامین اجتماعی برای پیگیری مطالباتشان برای ساعت هشت ده و نیم صبح روز یکشنبه نهم آبانماه به تجمع سراسری فراخوان داده اند. این تجمعات در تهران مقابل

حجمی شرکت پتروشیمی گچساران در اعتراض به سطح نازل حقوقها و تبعیض ها و با خواست دائمی شدن قراردادهای کاری خود مقابل ساختمان فرمانداری دست به تجمع زدند. این کارگران در همین رابطه در روزهای گذشته نیز در محوطه شرکت تجمع داشتند. یک خواست مهم کارگران نفت کوتاه شدن دست پیمانکاران و دائمی شدن قراردادهای کاری و افزایش فوری سطح حقوقها مطابق با جدولهای درخواستی آنهاست. کارگران نفت تاکید کرده اند که مزد هیچ کارگری نباید کمتر از ۱۲ میلیون باشد.

تجمع بازنشستگان فولاد در تهران برگزار شد

از ساعت هشت صبح روز سوم مهرماه بازنشستگان و مستمری بگیران صندوق بازنشستگی فولاد بنا به یک فراخوان از قبل اعلام شده مقابل دفتر مرکزی این صندوق در تهران تجمع کردند. خواستههای فوری اعلام شده این کارگران عبارتند از: "افزایش دو میلیون تومان به حقوقها، انتقال به جدول ۷ قانون بودجه، درمان رایگان و برقراری خدمات رفاهی مطابق

پرداخت دستمزدهای خود که اکنون به چهار ماه رسیده است و خلف وعده ها، مقابل ساختمان فرمانداری تجمع کردند. این کارگران میگویند با وجود اینکه قبلاً اداره آفای امیدیه برای پرداخت مطالبات معوقه کارگران وعده داده بود اما هنوز عملیاتی نشده و ما کارگران چهار ماه مزد معوقه طلب داریم. در عین حال عیدی سال گذشته و سه سال سنوات ما هم پرداخت نشده است. یک موضوع اعتراض این کارگران همچنین قراردادهای موقت پیمانی و تبعیض در پرداخت ها است. هر کدام از کارگران این شرکت ۱۰ تا ۱۵ سال سابقه کار دارند.

صبح روز ۴ آبان جمعی از بازنشستگان شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران (هما) در ادامه اعتراضاتشان نسبت به وضعیت اسفناک معیشتی و سطح نازل حقوقها و تعویق هر ماهه پرداخت آن مقابل وزارت راه و شهرسازی تجمع کردند.

تجمع اعتراضی کارگران پتروشیمی گچساران و چند خبر دیگر از نفت

روز ۵ آبان جمعی از کارگران

تجمع کارگران شهرداری خرمشهر، امیدیه، و بازنشستگان شرکت هواپیمایی هما

- روز پنجشنبه ۶ آبانماه جمعی از کارگران شهرداری خرمشهر در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه دستمزد و خلف وعده های شهرداری مقابل فرمانداری این شهر تجمع کردند. زیر فشار اعتراضات کارگران نادر عمیدزاده از جانب فرمانداری خرمشهر اعلام کرد که قرار است تا روز شنبه ۸ آبان مطالبات این ماه کارگران به حساب آنها واریز شود و سپس به سرعت روند پرداخت حقوق پایه ۲ ماه کارگران آغاز شود. قبلاً نیز فرهاد دربندی نور، سرپرست شهرداری خرمشهر تاکید کرده بود که تا پایان روز ۵ آبان باید حقوق پایه ۲ ماه آنها به حسابشان واریز میشود. کارگران شهرداری اعلام کرده اند که به این وعده و وعیدها اعتمادی ندارند و تا پرداخت کامل طلب هایشان به اعتراض خود ادامه خواهند داد.

- صبح روز ۴ آبان کارگران بخش تاسیسات و تعمیرات آب و فاضلاب امیدیه در اعتراض به ادامه تعویق در



فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

ماهواره یاه ست

فرکانس: ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۷/۸

www.newchannel.tv

ماهواره یوتلست

فرکانس: ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۵/۶